

حضرات آیات

صافی گلپایگانی، مکارم شیرازی، امامی کاشانی

جوادی آملی، مصباح یزدی، سبحانی

و دکتر احمدی نژاد

بسم الله الرحمن الرحیم

مجموعه سخنرانی مراجع عظام و اندیشمندان در مسجد جمکران

نویسنده:

واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مجموعه سخنرانی مراجع عظام و اندیشمندان در مسجد جمکران

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : مجموعه سخنرانی مراجع عظام و اندیشمندان در مسجد جمکران تنظیم واحد پژوهش انتشارات مسجد مقدس جمکران مشخصات نشر : قم : مسجد مقدس جمکران ، ۱۳۸۵. مشخصات ظاهری : ۱۰۲ ص. شابک : ۹۶۴-۸۴۸۴-۶۹-۴ ۴۰۰۰ ریال وضعیت فهرست نویسی : فاپا یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس. موضوع : محمدبن حسن (عج ، امام دوازدهم ۲۵۵ق – موضوع : مهدویت شناسه افزوده : مسجد جمکران شناسه افزوده : مسجد جمکران واحد پژوهش رده بندی کنگره : BP۲۲۴ /م۲۵ ۱۳۸۴ رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲ شماره کتابشناسی ملی : م ۸۴-۴۶۲۴۵

سخنرانی حضرت آیت اللّه العظمی مکارم شیرازی دامت برکاته

قسمت اول

نیمه شعبان ۱۴۲۶ (ه.ق) مصادف با ۱۳۸۴(ه.ش)

اعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم و به نستعین وصلّی اللّه علی سیّدنا محمّد وآله الطیبین الطاهرین المعصومین لا سیما بقیه اللّه المنتظر ارواحنا له الفداء ولا حول ولا قوه الاّ باللّه العلی العظیم.

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ کَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِینَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دِینَهُمُ الَّذِی ارْتَضَی لَهُمْ وَلَیُبَدِّلَنَّهُم مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً یَعْبُدُونَنِی لَا یُشْرِکُونَ بِی شَیْأً».(۱)

امشب یکی از عزیزترین شب های سال است و یکی از عزیزترین مکان های عبادت نیز اینجا (مسجد مقدّس جمکران) می باشد. خداوند به شما عزیزان این توفیق و سعادت را داده، در این شب عزیز، در این مکان عزیز حضور پیدا کنید و با مولا و آقایتان امام زمان علیه السلام رابطه بیشتری پیدا کنید. خدا را بر این نعمت بزرگ، شکر بگویید و کسانی را که آرزو داشتند مثل شما اینجا باشند و نتوانستند هم فراموش نکنید و برای آن ها دعا کنید.

من قبل از

هر چیز این میلاد مبارک را به همه شما عزیزان تبریک عرض می کنم و امیدوارم همه در سایه عنایات حضرت مهدی- ارواحنا فداه - سعادتمند و خوشبخت و موفق و پایدار باشید.

آیه ای را که خواندم آیه ۵۵ سوره نور است، این آیه از آیاتی است که به روشنی می توان به وسیله آن برای ظهور حضرت مهدی - ارواحنا فداه - استدلال کرد. علاوه بر محتوای آیه، روایات معصومین علیهم السلام نیز که هم در کتب شیعه و هم در بعضی کتب اهل سنّت آمده، آن را به قیام حضرت مهدی تفسیر کرده است. محتوای آیه محتوای مهمی است، خداوند متعال به کسانی که دارای این دو ویژگی؛ یعنی ایمان و عمل صالح باشند چهار وعده داده است:

اول: «لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ» حکومت روی زمین برای آن ها خواهد شد؛ یعنی حکومت الهی به وسیله مؤمنان صالح العمل، در تحت نظارت یک پیشوای الهی تشکیل می شود.

دوم: «وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ» در سایه آن ایمان و عمل صالح و آن پیشوای الهی آسمانی، خداوند دین اسلام را دین حاکم بر کل جهان می کند.

سوم: سومین نعمتی که خدا وعده داده به این گونه اشخاص بدهد این است: «وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ»؛ یعنی در حالی که جهان را ناأمنی فرا گرفته، خدا در سایه این حکومت، ناأمنی را از جهان بر می چیند و امنیت را جایگزین آن می کند.

چهارم: و امّا آخرین وعده الهی در این آیه چنین است: «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً» آن هدف آفرینش که عبادت و قُرب به خدا؛ یعنی توحید خالص است، در سایه این حکومت الهی حاصل می شود.

قرآن مجید می گوید: یک چنین وعده ای را خداوند

داده است، از آیات دیگر قرآن هم استفاده می شود همان گونه که به مؤمنان پیشین این وعده را دادیم، در مدتی از زمان، حکومت بخش های مهمی از کره زمین در اختیارشان بود، به شما هم این وعده را داده ایم؛ البته این معنی در زمان پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله حاصل شد.

در روایات در شأن نزول این آیه قریب به این مضمون آمده است: هنگامی که مسلمانان از مکه به مدینه مهاجرت کردند در محیط آزادی قرار گرفتند، مردم مدینه هم از مسلمانان استقبال کردند و مدینه کانون اسلام شد. تمام دشمنان بر ضد مسلمانان بسیج شدند و گفتند: این ها تا در مکه بودند در محدوده و چنگال ما بودند امّا الآن که به مدینه آمدند و مردم مدینه از آن ها استقبال کردند، حکومت مستقلی تشکیل می دهند و فردا هزار دردسر برای ما دارند لذا تمام دشمنان، بسیج شدند.

همچنین در شأن نزول این آیه آمده است که زمانی که مسلمانان به صورت آماده باش کامل جنگی بودند، با اسلحه می خوابیدند و با اسلحه بلند می شدند، یک روز آمدند خدمت پیغمبرصلی الله علیه وآله عرض کردند: یا رسول اللّه! تا چه زمانی باید بدین صورت که، شب می خوابیم امنیت نداریم، روز بیدار می شویم امنیت نداریم و همیشه به حالت جنگی و آماده باش هستیم زندگی کنیم؟ اینجا بود که آیه شریفه ۵۵ سوره نور نازل شد و در آن خداوند وعده داده که چهار موهبت به شما می دهد: اول آن که خلافت روی زمین در منطقه وسیعی از جهان پیدا می کنید. دوم؛ حکومت الهی. سوم؛ امنیت کامل. چهارم؛ بندگی خالصانه خدا که هدف آفرینش است، نصیب شما می شود.

در اینجا حدیثی از

امام سـجادعلیه السـلام برای شـما بخوانم، عجیب است. این حدیث را علمای شیعه در کتاب های تفسیرشان به مناسبت این آیه نقل کردند.

قرطبی یکی از مفسـران اهل سنّت است، این دانشمند سنّی هم وقتی به این آیه می رسد، همین حدیث امام سجادعلیه السلام را نقل می کند. امام سـجادعلیه السلام در تفسیر آیه شریفه فرمود: «هم واللّٰه شیعتنا أهل البیت»؛ یک مصداق مهم این آیه شریفه، شیعیـان اهـل بیت انـد و در ادامه فرمود:«یفعـل اللّٰه ذلـک بهم علی یـدی رجـل منّا وهو مهـدی هـذه الاُمّه»؛ این حکومت الهی جهانی به وسیله مردی از خاندان ما که «مهدی» این امت است تشکیل می شود.

امنیت، جهـان را می گیرد و حـاکمیت اسـلام شامـل همه جـا می شود و عبادت خالصانه در نهایت امنیت برای همه حاصل می گردد. بعد فرمود:«یملأ الارض عدلاً و قسـطاً کما ملئت ظلماً و جوراً»؛ صـفحه زمین که از ظلم و جور و بیدادگری و تبعیض پر شده است، به وسـیله او از عدل و داد پر می شود. در ادامه امام سـجادعلیه السـلام به حدیث معروف پیغمبر اسـتدلال کرد، این حدیث به طرق مختلف در کتاب های مختلف شـیعه و اهل سـنّت نقل شده که حضـرت امام سـجادعلیه السلام هم اینجا به آن اسـتدلال می کنـد «و هو الـذی قـال رسول اللّٰه لو لم یبق من الـدهر الاّ یوم لطوّل اللّٰه ذلک الیوم حتی یبعث رجلاً من اهل بیتی یملأها قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً».

امام سجادعلیه السلام فرمود: آن وعده پیغمبر به وسیله همین مهدی آخر الزمان و حجت خدا حاصل می شود.

این از آیه شریفه و شأن نزول آن و حدیث امام سجادعلیه السلام بود.

درباره تفسیر این آیه بحث

فراوان است؛ امّا در این شب عزیز می خواهم از این موقعیت استفاده کنم و چند مطلب مهم را خدمت شما برادران و خواهران عزیزی که از نقاط مختلف کشور اجتماع کرده اید عرض کنم که ان شاءاللّه پیام ما را به سایر دوستان و آشنایانتان هم برسانید.

اولین نکته ای که در اینجا لازم است عرض کنم این نکته است: بعضی ها آمدند در باره حضرت مهدی علیه السلام تبلیغات خشن کرده اند و در بعضی از کتاب ها به دروغ این مطلب را نوشته اند که حضرت مهدی علیه السلام آن قدر افراد را می کشد که خون صفحه زمین را فرا می گیرد و تا رکاب حضرت مهدی خون بالا می آید. این قبیل روایات دروغین، ساخته و پرداخته دست دشمنان است. هدف این است که رابطه عاطفی با حضرت را کم رنگ کنند. حضرت مهدی علیه السلام مبلّغ رحمت خداست، کانون عاطفه و محبّت انسانیّت است. انقلاب حضرت مهدی علیه السلام در درجه اوّل یک انقلاب نظامی نیست، در درجه اول یک انقلاب فرهنگی است. ما حدیث بسیار پر معنایی داریم که می فرماید: «إذا ظهر المهدی وضع اللّه یده علی رؤوس الانام»، هنگامی که حضرت مهدی ظهور می کند خدا دست مهدی را بر سر مردم می گذارد «فأکمل بها عقولهم» عقل مردم کامل می شود. آن زمان است که تحول فرهنگی پیدا می شود و به استقبال حکومت مهدی می روند! پس اگر کشتاری واقع می شود مال آن گروهی است که دشمن حق و دشمن عدالتند و الّا بقیه از طریق انقلاب فرهنگی است.

حدیث دیگری داریم و آن این است که می فرماید: تمام علوم و دانش های اولین تا زمان ظهور حضرت مهدی به اندازه دو حرف از بیست و هفت حرف است.

هنگامی که حضرت مهدی علیه السلام ظهور می کند، بیست و پنج حرف دیگر را آشکار می کند؛ یعنی یک جهش فوق العاده علمی که معادل دوازده برابر بیشتر از علوم اولین و آخرین است، پیدا می شود. این انقلاب، انقلاب علمی و فرهنگی و عاطفی است.

قسمت دوم

حضرت ولی عصرعلیه السلام محبوب دل هاست و به همه بشریت علاقه دارد، این الفاظ دشمنان نباید میان آن حضرت و مردم جدایی بیفکند.

ما یک زیارت خوبی داریم که ان شاءاللَّه برادران و خواهران این زیارت را بخوانند، زیارت پُر محتوایی است و شرطش این است که معنایش را هم ان شاءاللَّه بدانید و آن زیارت آل یاسین است، بعدش هم یک دعاست که من دو سه جمله از این زیارت و دعای بعدش را خدمت شما بخوانم. در آنجا درباره حضرت مهدی ما می گوییم: «اَلوَلِیِّ الناصِحِ»، خیر خواه جهان بشریت است؛ سَفینَهِ النَّجاه، کشتی نجاتی است که ما را از غرق شدن در آب نجات می دهد نه این که افراد را غرق کند؛ «عَلَم الهُدی ، پرچم هدایت است؛ «نُور أبصار الوَری نور چشمان تمام مردم دنیاست؛ «خَیرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَارْتَدی ، بهترین فرزندان آدم است و «مُجَلّی الْعَمی ، نابینا یی ها، ناآگاهی ها را از بین می برد.

بنابراین حضرت مهدی علیه السلام کانون محبّت، کانون عاطفه و خیر خواهی همه بشریت است و از هر نظر کسی است که به وسیله انقلاب فرهنگی، دنیا را پر از عدل و داد می کند. ایشان کسی نیستند که آن قدر خون بریزند که خون تا رکابش برسد. این ها سخنان دشمنانی است که می خواهند جدایی بیفکنند.

این جمله را هم برادران و خواهران دقت کنند، در احادیث ما حضرت

مهـدی علیه السـلام به دو چیز تشبیه شـده: اوّل، به نور آفتاب عالم تاب؛ نوری که تربیت کننده است و نابود کننده نیست.دوم، به ماء معین «قُلْ أَرَءَیْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مآؤُکُمْ غَوْراً فَمَنْ یَأْتِیکُمْ بِمآءٍ مَّعِینٍ»(۲)؛یعنی آب جاری که کارش زنده کردن است، حیات است، همه این موجودات زنـده از برکت آب زنـده انـد، مهـدی آب جـاری و نور آفتـاب است؛ یعنی کانون هـدایت، محبّت، پرورش و تربیت است. حضرت مهدی یک چنین موقعیتی دارد. این یک نکته، که لازم بود رفع اشتباه کنم.

نکته دوم این که گاهی بعضـی از جوانان، در گوشه و کنار بیان می کننـد و من این جمله را هم به عنوان جمله معترضه عرض می کنم، تولیت محترم مسـجد الآن این جمله را به من گفتند که ما از زوّار مسجد جمکران آمار برداری کردیم، هشتاد درصد زوار جوانان سـی سال و کمترند؛ و این یعنی ۸۰ درصد نسل جوان می آیند به سـراغ حضـرت مهدی علیه السلام بعضی ها که این کانون هـدایت را نمی تواننـد تحمل کنند، برای جدا کردن نسل جوان از این کانون هدایت و تربیت، سم پاشـی می کنند؛ از جمله سمّ پاشـی هـایی که می کننـد این است که می گوینـد مسـجد جمکران نتیجه خوابی است که یـک نفر در هزار سـال پیش دیده است و خواب که در اسلام حجّت نیست.

این بی خبران غافل نمی دانند مسجد جمکران مربوط به خواب نیست، بلکه ماجرا این گونه است که در شب سه شنبه، هفدهم ماه مبارک رمضان سال ۳۹۳ ه ق نصف شب در خانه حسن بن مثله جمکرانی را می زننـد و او را از خواب بیدار می کنند و به او می گویند: «اَجِبْ مَولاکَ صاحِبَ الزمان»؛ صاحب الزمان از تو

دعوت کرده است، برخیز و بیا!

می گوید از خانه بیرون آمدم، نصف شب بود که حرکت کردم، جمعی از افراد با شخصیت را دیدم که به دنبال من آمده اند، رفتم و رفتم تا رسیدم به خدمت امام علیه السلام، فرمود: این زمین، زمین مقدّسی است و مورد عنایت خداست، مسجدی به دستور من در اینجا بساز، یعنی مسجدی می شود که روزی کانون دل ها می شود و از سراسر دنیا به اینجا می آیند، مردم تربیت می شوند، بیدار می شوند، توبه می کنند، هدایت می شوند، مشکلات شان حل می شود و جوانان مثل پروانه می آیند اطراف این مسجد را می گیرند.

ای بی خبر! این خواب نیست، این بیداری است. در کتاب های معروف و معتبر این جریان نقل شده و بسیاری از علما و بزرگان به اینجا اهمیت داده اند؛ مرحوم آیت اللّٰه العظمی بروجردی مرد سخت گیری بود، در احادیث نقّاد بود و به آسانی حدیثی را نمی پذیرفت. آمدند خدمتشان و سوءال کردند ما برویم مسجد جمکران و این برنامه عبادتی که هست بجا بیاوریم و آیا به قصد ورود شرعی جایز است؟ آیت اللّٰه العظمی بروجردی یک تأملی کردند سپس سربلند کرده و فرمودند: بله جایز است. وقتی یک مرجع آن چنانی پای مسجد جمکران را امضا می کند لابد یک حسابی در کار است.

می دانید چرا بعضی شروع به سم پاشی کردند؟ برای این که هر کسی به امام زمان علیه السلام علاقه پیدا بکند، در واقع یک روح ظلم ستیزی در وجودش زنده می شود و این مسجد، کانون افکار ظلم ستیزانه است و دنیای استعماری، باواسطه وبدون واسطه باید این کانون را کم رنگ کند تا افکار انقلابی ظلم ستیزانه بر ضد آن ها پیدا نشود.

حضرت مهدی علیه السلام کارش

انقلاب جهانی است و مردم هم وقتی اینجا می آیند متوجه برنامه انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام می شوند. پیداست که در یک چنین شرایطی دشمنان نباید اینجا را تحمل کنند و باید آنچه می توانند سم پاشی کنند. ولی خوشبختانه این سم پاشی ها تأثیر نگذاشته و روز به روز علاقه این جمعیت بیشتر می شود.

الآن که من می آمدم، مرکز انتشارات مسجد را دیدم به قدری لذت بردم، انبوهی از جوانان آنجا جمع بودند که نوار، کتاب، سی دی، عکس می خریدند؛ یعنی حاملان فرهنگ اسلامی از این کانون می شوند.

فرض کنید درباره مسجد جمکران روایتی هم نباشد، حداقل مسجدی است که کانون فرهنگ زنده اسلام شده است و من در اینجا لازم می دانم ضمن تشکر از مسئولان و زحمتکشان و کارکنان و فعالان بخش فرهنگی و تولیت محترم مسجد، عرض کنم که به این مقدار قناعت نکنید.

شما می گویید آمارتان نشان می دهد سالی ۱۵ میلیون نفر اینجا می آیند، این یعنی دو برابر مردمی است که به زیارت خانه خدا می روند. از این قوه و قدرت استفاده کنید، فعالیت های فرهنگی تان را فشرده تر کنید تا جوانانی که اینجا می آیند با دست پر برگردند. من می گویم با حاجات روا شده، با گناهانی که از آن توبه کردند، با عشق و علاقه تازه ای به خدا و حضرت مهدی علیه السلام با این حال از اینجا برمی گردند. اینجا یک کانونی است که از هر جهت قابل استفاده است.

و اما نکته دیگری که عرض می کنم و آن این است که برخی می آیند میان جوانان شبهه می اندازند و می گویند: مگر شما نمی گویید وقتی دنیا پر از ظلم و فساد شد حضرت مهدی ظهور می کند، پس چرا شما امر به معروف

و نهی از منکر می کنید؟ چرا جهاد بر ضد دشـمنان اسـلام می کنید؟ بگذارید روز به روز فساد بیشتر و ظلم و بیدادگری فزون تر گردد تا حضرت ظهور کند.

این شـبهه ای است که وسواسـان خنـاس در اینجا می اندازنـد. جواب این سؤال در همین آیه ۵۵ سوره نور است که برای شـما خوانـدم. قرآن مجیـد می گویـد وعده الهی به مؤمنان صالح العمل است؛ یعنی اگر می خواهد در دنیا یک انقلاب و حکومت جهانی برپا شود، در برابر اکثریت ظالم بایـد یک اقلیّت پیش برنده انقلاب باشـند، اما اگر چیزی کم داریم، همان «الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ»(۳) است.

لازم است مؤمنان صالح العمل، در دنیا زیاد بشوند و هسـته اصـلی انقلاب حضـرت مهدی و وعده الهی در مقابل اکثریت ظالم تشکیل بشود.

ظلم و فساد در دنیا به انـدازه کافی هست، تبعیض هست؛ یک نگاه به عراق کنیـد، ببینید شـیعیان مظلوم در چه شـرایطی به سـر می برنـد؛ یک نگاه به فلسـطین کنیـد ببینید صاحبان اصـلی خانه در چه شـرایطی هسـتند؛ نگاهی به افغانسـتان، نگاهی به نقاط دیگر دنیـا کنیـد، همه جا مظلومان در چنگال ظالمان گرفتارنـد، ظلم و بیـدادگری و تبعیض و زورگویی از سوی این دشـمنان اسـلام همه جـا هست. این مقـدار حاصـل شـده، آن چیزی که زوّار مسـجد جمکران بایـد دنبـالش باشـند «الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ» است که باید این جمعیت و گروه مؤمنان صالح العمل را ان شإاللّه ایجاد کنیم.

من می خواهم اینجا از همان زیارت آل یاسـین و دعای بعد از آن اسـتفاده کنم. این دعا به شما خط می دهد، اگر می خواهید محبوب حضرت مهدی علیه السلام باشید این دعا را از صمیم دل بخوانید – در آغاز این

دعا که بعد از زیارت آل یاسین خوانده می شود می گوییم «اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ أنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمّدصلی الله علیه وآله نَبِیِّ رَحْمَتِکَ»؛ خدایا! بر پیغمبر اسلام که پیامبر رحمت است درود بفرست. جانشین او، امام زمان علیه السلام هم امام رحمت است و «کَلِمَهِ نُورِک» پیغمبری که نمونه نور و روشنایی است. بعد از خدا ده تا تقاضا می کنیم، می گوییم ده نور و چراغ پرفروغ در وجود من زنده کن. من این ده چراغ پر فروغ را برای شما می شمارم.

اول: «أنْ تَمْلأَ قَلْبِی نُورَ الْیَقِینِ»؛ چراغ یقین را در دل من روشن کن که وقتی این چراغ یقین باشد از هیچ چیز جز خدای یگانه و یکتا وحشت ندارم و نمی ترسم.

دوم: «وَصَدْرِی نُورَ الایمانِ»؛ سینه مرا کانون نور ایمان کن.

سوم: «وَفِکْرِی نُورَ النِّیّاتِ»؛ افکار مرا نور تصمیم و نیّت های پاک و خالص قرار بده.

چهارم: «وَعَزْمِی نُورَ الْعِلْمِ»؛ تصمیماتی که می گیرم نور علم و چراغ پر فروغ علم بر آن تصمیمات حاکم باشد.

پنجم: «وَقُوَّتِی نُورَ الْعَمَلِ» اگر قوّت و قدرتی دارم نور عمل، حاکم بر وجود من بوده باشد.

ششم: «وَلِسانِی نُورَ الصِّدْقِ»؛ در زبان من نور و فروغ صدق و راستی باشد و هرگز دروغی بر زبان من جاری نشود.

هفتم «وَدِینِی نُورَ الْبَصائِرِ مِنْ عِنْدِکَ»؛ دین و آیین من زیر نور بصیرت، روشن و آشکار باشد.

هشتم: «وَبَصَرِی نُورَ الضِّیاءِ»؛ خدایا! چشمی نورانی به من بده که آثار عظمت تو را در زمین و آسمان و در جای جای این عالم ببینم.

نهم: «وَسَمْعِی نُورَ الْحِکْمَهِ»؛ خدایا! گوشی به من بده که سخنان حکیمان را بشنوم تا از نور حکمت، پر شود.

دهم: آخرش دعای خوبی می کنیم «وَمَوَدَّتِی نُورَ الْمُوالاهِ

لِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صلی الله علیه وآله»؛ خداوندا! اگر در دل من محبتی است این محبّت را محبّت پیغمبر اکرم و آل پیغمبرعلیهم السلام قرار بده تا نور این محبّت بر تمام وجود من حاکم باشد.

من امیدوارم ان شاءاللّه با توجه به این آیه و با توجه به این دعاها، همه شما مخصوصاً جوانان عزیز بتوانید با ایمان محکم، عمل صادقانه پاک، عزم راسخ، روحانیت و صفا، از این کانون تربیت و هدایت به وطن هایتان ببرید.

آخرین سفارشی که لازم می دانم عرض کنم این است که برادران و خواهران! هرچیزی از عبادات اسلامی و برنامه های اسلامی یک جسمی و یک روحی دارد، مبادا به جسم قناعت کنید و از روح بیگانه باشید، نماز جسمش این اذکار و افعال است امّا روحش توجه به خدا «وَتَنْهی عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْکَرِ» است، روزه جسمش همین پرهیز از خوردن و آشامیدن و امثال آن است امّا روحش «لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ» تقواست.

جشن میلاد امام زمان علیه السلام یک جسمی دارد همین مراسمی که می بینید شادی، چراغانی و برنامه های اطعام باید باشد امّا از روحش غافل نشوید. روح آن، بیعت تازه ای با وجود مقدس امام زمان علیه السلام است، توبه از گناه به وسیله آگاهی بیشتر از آن وجود مقدس است. خدا نکند این مراسم، آلوده به گناه بشود، در گوشه و کنار شنیده می شود گاه موسیقی های مبتذل را در جشن های امام زمان علیه السلام راه می اندازند، خدا نکند با اشعار غلوّ و کفرآمیز آمیخته شود، خدا نکند این موهبت بزرگ الهی، روحش را از دست بدهد. شما عزیزان این عرایضی را که عرض کردم برای سایر دوستان و برادرانتان ببرید و ان شاءاللّه فصل تازه ای درباره

معرفت و شناخت ولی عصرعلیه السلام در همه ما پیدا بشود.

من چند دعا در اینجا می کنم، از یکی از دوستان که در مسجد فعالیت می کند شنیدم که گفت: از نقاط مختلف کشور تلفن کردند که سفارش کنید امشب در اینجا به یاد ما هم باشند، سفارش کنید برای ما هم که نتوانستیم به اینجا بیاییم دعا کنند. من چند بار ختم «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ» می خوانم و شب دعاست دعا می کنم...... والسلام علیکم و رحمها...وبرکاته

سخنرانی حضرت آیت اللّه العظمی صافی گلپایگانی دامت برکاته

نیمه شعبان ۱۴۲۶(ه.ق) مصادف با ۱۳۸۴(ه.ش)

اعوذ بـاللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم اَللّهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ الحُجَّهِ بْنِ الحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلى آبآئِه فِى هـذِهِ السّاعَهِ وَفِى كُلِّ ساعهٍ وَلِيّاً وَحافِظاً وَقآئِداً وَناصِراً وَدَلِيلاً وَعَيْناً حَتّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً وَتُمَتِّعَهُ فِيها طَوِيلاً.

قال اللّه تعالی «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّها(۴)*اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها(۵)».

بنده ابتدا این عید سعید بسیار بسیار با عظمت و بزرگ، و این روز فرخنده الهی و خدایی را، که در بین ایّام و روزهای الهی، موقعیّت خاص و درخشندگی مخصوص دارد و روزی است که همه انبیا گذشته و پیغمبران سلف و حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله و ائمه طاهرین علیهم السلام همه به انتظار این روز بودند را به حضور مبارك شما تبریک عرض می کنم و امیدوارم که از برکات این روز و این حضوری که در این مسجد بزرگ و با عظمت (مسجد مقدّس جمکران) پیدا کرده اید و از این تشرّفی که برای همه حاصل شده است، همگی بهره مند و مستفیض باشیم.

امر ولایت حضرت ولی عصر - عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف - یکی از آیات و اسراری است که اگر انسان در آن

تفکر و تأمل کند متوجه می شود که این یک امر الهی و غیبی است.

حضور مردم در این مسجد مقدس جمکران، و اقبال جامعه از همه طبقات؛ مخصوصاً قشر جوان و جوانان عزیز، در ایام گوناگون و فرصت های مختلف چه معنایی دارد؟ چه حقیقتی است که این جور ظاهر می شود، بدون این که روی آن کاری بشود و تبلیغات آن چنانی که برای یک چنین اجتماعاتی لازم است صورت گرفته باشد، آیا غیر از این است که این سرّ الهی است و قلوب مردم در تصرّف خود آقا حضرت ولی عصر – عجل اللّه تعالی فرجه الشریف – است؟ این مطلب را نمی شود دست کم گرفت.

این هایی که به این کیفیت و با این همه شور و شوق و نشاط به مسجد جمکران مشرّف می شوند، سرّ غیبی و معنای الهی دارد که هر چه انسان در آن تأمل کند بیشتر می فهمد که امور در دست خداوند متعال است و اسرار این ها را هم جز خداوند متعال و ائمه طاهرین علیهم السلام کسی نمی داند.

برنامه حضور مردم در مسجد جمکران، بسیار چشم گیر و باشکوه و با اهمیت شده است و در این زمان، چنین حضوری واقعاً یکی از جهات توجه مردم به اسلام و دین و مذهب و عبادت خداوند متعال و اخلاق اسلامی است. مردم که اینجا می آیند زنده می شوند، حیات می گیرند. توجه به امام زمان علیه السلام به انسان روح می دهد، نشاط می دهد، اصلاً اینجا مرکز بیداری جامعه شده است. مسجد جمکران یک موقعیت خاصی پیدا کرده است و این یک امر خدایی است و دلیل بر این است که «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِؤا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّآ أَن

يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكافِرُونَ»(۶) یک نوری است که روز به روز روشنایی اش بیشتر و گسترده تر می شود، یعنی هرچه خواستند که این نور را خاموش بکنند نتوانستند.

برای این که بدانید این امر به دست خداوند متعال است و خداوند حافظ این برنامه و این دستگاه و این عظمت ها است چیزی را برایتان نقل می کنم. یادم هست که در زمان رضاخان و در ایام شعبان که مردم برای چراغانی آماده شده بودند، البته در آن زمان وسایل این طور فراهم نبود، با همان زحماتی که در آن زمان فراهم می شد مردم آماده شده بودند. بازار را چراغانی کردند و تکیه ها و مساجد برنامه هایی داشتند. صبح چهاردهم شعبان آن شقی دستور داد که تمام این برنامه ها تعطیل شوند، رفتند و جلوی آن را گرفتند، بازارهایی که آن وقت آن جور روشن می شد شب نیمه شعبان تاریک شده بود. حالا این چه سرّی است که الحمدللّه این روز با این عظمت در کلّ مملکت در کل عالم تشیّع این طور جلوه و تجلّی می کند. البته اینجا که مملکت ایران است و به یک عنوان، تعلّق به حضرت صاحب الزمان علیه السلام دارد، بلکه همه جای عالم تعلق به امام زمان علیه السلام دارد.

در کربلا و در عراقی با این همه مشکلات و با این همه خطراتی که هست، روزنامه ها نوشته بودند که جمعیّت میلیونی برای جشن شب نیمه شعبان پیاده به طرف کربلا می روند.

این یک حقیقتی است که همیشه زنده است و مسجد جمکران هم یکی از مظاهر آن شده است که این گونه، در این زمان، این جوان ها، این حضور، این همه اعتماد، شب های چهارشنبه مرتب می آیند، مگر فراموش می کنند!

این ها سرّ الهی است و بایـد آن هایی که این توفیقات را دارنـد قدر خودشان را خیلی بدانند، بدانند که این ها از جایی دیگر مـأموریت پیـدا می کننـد که این جور با این همه اهتمام و نشاط، بـدون این که احساس زحمت و خسـتگی بکننـد به اینجا می آیند. آن هایی که در این برنامه شرکت می کنند، خیلی قدر خودشان را بدانند و شکرگزار باشند.

کسانی که در این مسـجد خدمت می کنند، این خدّام عزیزی که در اینجا هسـتند، این ها اجر و مزد و مقام و شـرف و فضـیلت شان طوری نیست که بنده بتوانم عرض بکنم.

واقعاً من افتخار می کردم اگر یکی از کوچک ترین خادمان این مسـجد شریف باشم. اگر بنده را به عنوان یک خادم کوچک مسـجد جمکران ثبت بکننـد و به این عنوان معرفی بکننـد زهی شـرافت و زهی افتخار. بایـد کسانی که در اینجا افتخار خدمت دارند، چه مقام مدیریت و چه دیگران، فرق نمی کند، این افتخار را خیلی بزرگ بدارند.

به هر حال، مسـئله ولایت امام عصـرعلیه السلام سرّی است از اسرار الهی که امروز به این صورت ظاهر می شود. در مملکت ما اسلام و مذهب احیا شده است و از آثار آن توجه مردم به مسجد جمکران است. البته آثار آن خیلی متعدد و گسترده است که حالا نمی خواهم زیاد مزاحم شـما بشوم. این یک مطلبی است که انسان بایـد در نظر داشـته باشـد؛ بداند که این امر با خداوند متعال است و خداوند متعال حافظ این دین و مذهب است، به قول آن شاعری که گوید:

همه عالم اگر گردند همدست گمان آن مبر کین در توان بست درب خانه امام زمان علیه السلام تا روز ظهور حضرت

باز است و آن هایی که اخلاص دارنـد بر در این خانه حضور پیدا می کنند و مشـمول همان ثواب هایی که در روایات هسـت می شوند.

مطلـب دیگری که می خواسـتم عرض بکنم این است که ممکن است این اجتماعـات و برنـامه هـایی که این مردم بـا اخلاـص دارند یک نقاط ضـعفی هم داشـته باشد که امیدواریم آن ها را عفو بفرمایند و اشخاصـی که متصدی این امور هستند، مواظب باشند که برنامه ها جوری پیاده بشود که خالص برای امام زمان علیه السلام باشد تا مناسب تحویل درگاه امام زمان علیه السلام باشد.

البته این اجتماعـات و چراغـانی هـا پیام دارد و به دنیا پیام می دهـد که ما شـیعه ایم، ما در ولایت امیرالمؤمنین و اولاد طاهرین امیرالمؤمنین علیهم السـلام و ولایت حضـرت صاحب الزمان علیه السلام ثابت قدمیم، ما به دینمان، در احکام دینمان، در شعائر مذهبی خودمان پای بندیم و هر جور و در هر شرایطی که باشد به آن وفادار هستیم.

این برنامه ها اعلان وجود و اعلان حیات است که ما وجود داریم و ما موضع داریم و ما دین خودمان را نگه می داریم، احکام خـدا را حفـظ می کنیم، امر به معروف و نهی از منکر می کنیم. نماز جماعت ها را با شـکوه برپا می کنیم، با همـدیگر برادری داریم، اخلاق اسلامی داریم.

پیام هایی که این برنامه ها دارند برای دنیا و خود ما خیلی بزرگ است. باید به این پیام ها برسیم و آگاه باشیم.

مطلب دیگر این است که مسـئله انتظـار و این که «أفضـل جهـاد أُمّـتی انتظـار الفرج – یـا – أفضـل الاعمـال انتظـار الفرج» یک عبـارتی است که همه می خواننـد و خیلی به زبـان هـا می آیـد؛ امّـا معنـای آن خیلی بزرگ است. می فرمایـد: افضـل اعمال و بالاترین جهاد اُمّت

من انتظـار فَرَج است، انتظـار فَرَج؛ یعنی چشم به راه بودن؛ یعنی منتظر ظهور حضـرت ولی عصـرعلیه السـلام بودن است. انسان اگر یک مسافر خیلی عزیزی که خیلی خیلی عزیز باشـد داشـته باشد و منتظر ورود او باشد چقدر چشم به راه است، حالا اُمّتی که چشم به راه شخصـیتی که عالم امکان به وجود او برقرار است و «بِیُمنِه رُزِق الوَری» منتظر او هسـتند، باید چه تعهداتی داشـته باشـند، چه شـرایطی را داشـته باشـند؟ باید ملتزم به چه اموری باشند؟ به زبان که نمی شود متعهد بود، باید حقیقتاً همان طوری که می فرمایـد: «طوبی للمتقین فی غیبته، طوبی للصابرین فی محبّته»؛ خوشا به حال آن هایی که در غیبت امام زمان علیه السـلام و در انتظار امام زمان پرهیزکار هسـتند» باید از محرّمات اجتناب کنند، واجبات را به جا آورند، امر به معروف و نهی از منکر کنند، احساس وظیفه و مسؤولیت کنند.

در مسـئله انتظـار، عمـده مطلب این است که مـا عملاًـ منتظر باشـیم که اگر آقـا همین الآـن تشـریف بیاورنـد ما بتوانیم برویم و خدمت حضرت عرض وجود بکنیم و اظهار ولایت داشته باشیم. این ها خودش مطلب مهمی است، که در روایات خیلی بر آن تأکیـد شـده است. این همه روایت داریم، در یک روایتی هست که می فرمایـد: کسانی که منتظر ظهور امام زمان علیه السـلام هسـتند، برای هر کـدام، ثواب هزار شـهید از شـهدای بـدر و اُحـد می باشـد. این ثواب را همین جوری به کسـی نمی دهند، به همین که آدم بگوید «من منتظرم» نیست. باید مقید بود، باید ملتزم بود، باید به تعظیم شعائر اسلامی اهمیّت داد، باید در مقابل منکرات موضع داشته باشد، ان شاءالله

همه شما مشمول این حدیث معتبر باشید.

امّا انتظار باید یک انتظار واقعی و حقیقی باشد که انسان واقعاً همیشه به یاد امام زمان – عجل اللّٰه تعالی فرجه الشریف – باشد، اعمالمان را برای امام زمان علیه السلام انجام بدهیم، خدماتی که می کنیم به شیعیان امام زمان علیه السلام باشد و امور دیگر. بعد خود این مسئله انتظار هم باید به عمل بیشتر و به عمل ان شاءاللّٰه ظاهر شود.

اما به هر حال این توفیقاتی که برای جامعه ما در این زمان فراهم است، به واسطه همین حضور در این برنامه ها و مراسم و حضور در همین مسجد مقدّس جمکران با آن سوابقی که دارد می باشد.

من از زمان طفولیت در خدمت مرحوم آیت اللّٰه والدم بودم و ایشان مقیّد بودند وقتی که به قم می آیند به مسجد جمکران مشرف بشوند، حالا نمی توانم بگویم همیشه ولی غالباً مقید بودند پیاده مشرّف بشوند. اینجا یک چنین مرکزی است، در اینجا انسان باید تازه بشود، باید زنده بشود، باید بیدار شود، باید که تعهد خودش را و ولای خودش را با امام زمان علیه السلام تجدید کند.

امیدوارم که این زحمات و خدمات، مقبول خداوند متعال باشد و عنایات امام زمان علیه السلام شامل حال همه باشد و این مسجد و این برنامه، روز به روز در گسترش و در عظمت و توسعه باشد. فعلاً امکانات به قدری که بتوان از این جمعیت های مخلصی که می آیند اینجا پذیرایی کرد – با این که آن هایی که خدمت می کنند کوتاهی ندارند – کم است و امکانات بیشتر لازم دارد.

امیدوارم که هم مردم در این جهت که امکانات بیشتر فراهم بشود وارد شوند و هم مسؤولین مملکت بدانند

که اینجا یک نقطه و مرکزی است که باید امکاناتی که اینجا فراهم می شود جوری باشد که از خدمت گزاران این مسجد بتوانند آن جوری که شایسته است پذیرایی کنند. این ها همه مهمان امام زمان – عجل اللّه تعالی فرجه الشریف – هستند.

خداوند متعال به همه ما توفیق بدهد و همین جوری که دعا کردیم خداوند عید ما را ظهور و فَرَج امام زمان – عجل اللّه تعالی فرجه الشریف – قرار بدهد.

خداوند متعال قلب مبارک ایشان را از ما راضی و خشنود بفرماید و ما را از کارها و اعمالی که موجب رنجش خاطر ایشان می شود برحذر بدارد. و السلام علیکم و رحمه اللّه و برکاته.

سخنرانی حضرت آیت اللّه امامی کاشانی دامت برکاته

قسمت اول

نیمه شعبان ۱۴۲۶(ه.ق) مصادف با ۱۳۸۴(ه.ش)

اعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و الصلاه و السلام علی سیّدنا و نبینا ابی القاسم محمّد و علی آله الطیبین الطاهرین سیما بقیه اللّه فی الارضین.

قال اللّه العظیم: «وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَیَرَی اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ».(۷)

اَللّهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ الحُجَّهِ بْنِ الحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلى آبآئِهِ فِى هذِهِ السّاعَهِ وَفِى كُلِّ ساعَهٍ وَلِيّاً وَحافِظاً وَقآئِداً وَناصِراً وَدَلِيلاً وَعَيْناً حَتّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً وَتُمَتِّعَهُ فِيها طَوِيلاً.

سالروز میلاد خجسته محبوب انسان ها و منجی عالم بشریت، خاتم اوصیاعلیهم السلام وجود اقدس امام زمان – ارواحنا فداه – را به شما حضّار محترم و انسان های حقّ جو، امّت اسلام، فرهیختگان، دانشمندان، عالمان، صالحان، رهبر معظم انقلاب و همه دلداده های به وجود اقدس آن بزرگوار تبریک عرض می کنم.

بحثم در این مکان مقدّس و در این پایگاه عظیم (مسجد مقدّس جمکران) که خدا دل های انسان ها را،

انسان های حق جو و ما شیعیان را به این مسجد مقدّس منعطف کرده، این است که امام عصر – ارواحنا له الفداء – اعمال ما را می بیند و شاهد و ناظر بر اعمال و رفتار ماست، این بحث امشب من است که به حول و قوه خدای متعال این سخن را مقداری باز می کنم.

امیدوارم این مطالب، در دل ها اثر داشته باشد و ما به این شهود و حضور که آن بزرگوار در فکر ما، اندیشه ما، کردار ما دارد توجّه کنیم.

بحثم را از این آیه مبارکه شروع می کنم: «فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ...» خدا عمل شما را می بیند «وَرَسُولُهُ...» و رسولش هم می بیند «وَالْمُؤْمِنُونَ...»و مؤمنون هم می بینند و به زودی به عالم غیب و شهود باز می گردید، اعمالتان در آن عالم باز می شود و آنچه کرده اید به شما می گویند و خیر را، خیر و شر را، شر خواهید دید. این ترجمه آیه مبارکه است.

حالا نکته اینجاست که قرآن کریم می فرماید: عمل شما را خدا می بیند، پیامبر می بیند، و مؤمنون می بینند؛ خدا معلوم، پیامبر هم مشخص، امّا مؤمنون کیانند؟ علما و مفسران اهل سنّت در بیان این کلمه و تفسیر این جمله مانده اند، چرا مانده اند؟ چون قرآن کریم می فرماید: مؤمنون اعمال را می بینند نه همه مردم. عده ای آمدند و گفتند: عمل وقتی باز شد همه می بینند. ولی این آیه می فرماید: مؤمنون می بینند، یعنی جمع معینی می بینند. روز قیامت هم بعد از این جمله آمده است: برمی گردید به محضر عالم غیب و شهادت، اعمالتان آنجا باز و همه چیز را می بینید و نتیجه خیر و شر، مقابلتان نهاده می شود.

مؤمنون کیانند؟ اینجاست که هر ذوقی و هر فکر صافی می فهمد، وقتی

مؤمنون در کنار خدا و در ردیف پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله قرار دارند، یعنی کسانی هستند که از باطن این عالم مطلع اند. آن ها اعمال را می بینند و لذاست که در احادیث شریفه ما، وقتی از امام صادق علیه السلام می پرسند که مؤمنون کیانند؟ می فرماید: «إیّانا عَنی خدا ما را قصد کرده، ماییم که اعمال را می بینیم.

پس به موجب قرآن و به موجب احادیث شریف، حجت خدا در هر عصر و زمان رابطه تنگاتنگ با جامعه بشریت دارد، نه فقط با شیعه و مؤمنان بلکه با همه انسان ها و این نکته در روایات ما هم هست. حدیث شریفی است که امام صادق علیه السلام در ذیل این آیه مبارکه «فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ» درباره امام عصر - ارواحنا له الفداء - می فرماید: وقتی امام عصرعلیه السلام چهار ماه داشت بر بازوی راست او نوشته شده بود: «وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقاً وَعَدْلًا»(۸)؛«کلمه» در اینجا دعوت خداست؛ یعنی دعوت خدا با آمدن پیغمبر اکرم و ائمه علیهم السلام تمام شد.

در بیان و حدیث دیگری است که چگونه آنان اعمال را می بینند البته در این زمینه احادیث مختلفی از ائمه علیهم السلام رسیده است. از امام رضاعلیه السلام این حدیث است که می فرماید: «رُفع له عمود من نور»؛ ولیّ خدا یک عمودی از نور در جلویش بالاـ می رود.» این عمود نور از زمین است تا آسمان، وقتی به این عمود نگاه می کند «ینظر الخلائق و اعمالهم» تمام خلایق را می بیند. این مَثَل از بنده است و در حدیث نیست. کسی که چشمش نزدیک بین است دور را فقط به صورت یک حجم می بیند ولی عینک که زد می فهمد که کیست و

چیست و چه خبر است، این یک مَثَل ساده ای است.

امـام رضـاعلیه السـلام می فرمایـد: «عمودی از نور مقابـل ما زده می شود و ما تمام خلایق و اعمال آن ها را می بینیم. این یک نکته، بعد می فرماید «ینزل امر اللّٰه نصب عینیه حین تولّی ، وقتی که ولیّ خدا به مقام ولایت و امامت رسـید و حجت خدا شد، امر خدا در همین عمود نور نازل می شود؛ یعنی تمام قضا و قدر خدا و عالم را و آنچه خداوند خواسته و نازل کرده، تماشا می کند. از یک طرف قوس نزول را و از یک سو قوس صـعود را می بیند، از یک طرف می بیند که از عالم بالا چه نازل می شود و از یک طرف از زمین چه بالا می رود و این را ولیّ خدا می بیند.

خوب حالاـ این آیه مبـارکه که احـادیثی در حول وحوش آن مطرح است در سن چهـار مـاهگی بر بـازوی راست امام زمان – ارواحنا له الفـداء – نقش می بنـدد و این بـدین معناست که حضـرت تمام آنچه را که هست مشاهده می کند، به وسـیله وجود اقـدس او دعوت خـدا توسط سُـفرای عالم، رسولان خدا پایان می پذیرد. این چنین انسانی که همه چیز را می بیند، حجّت خدا است.

این از نظر قرآن وحدیث، حالا بیاییم یک مقداری آن را از نظر علمی و فلسفی – ولی خیلی ساده – ببینیم یک دفعه فقط حسّ ما کار می کنـد؛ یعنی جسم ما کار می کنـد، امّا یک مرتبه ما ورای حس ما (باطن ما) کار می کنـد آن هم مراتبی دارد، عالم خیال دارد و برزخ و عالم عقل، آن هم با همه مراحلی که دارد این ها کار می کند. لذا هرگاه این

علل و اسباب کار کرد، آن وقت حقایق را می تواند ببیند.

اگر ما اهل حس بودیم و فقط به چشم، پای بند بودیم در دیدنی ها به جایی نرسیده ایم، مطمئن باش که کوریم. یک قصه ای نقل کنم از این کوری و آن قصه فرعون و موسی بن عمران، داستانی است معروف که این داستان در ولادت امام عصر – ارواحنا فداه – هم به صورتی مطرح است، این داستان را خیلی شنیده اید و در کتاب ها هم نوشته اند، جان مطلب این است:

تمام ساحران گفتند امشب خداوند نطفه ای را در رحمی قرار خواهد داد که دستگاه فراعنه را به هم خواهد ریخت. فرعون هم، فرعون بود و قدرت داشت، امر کرد تمام مردها باید امشب به دربار بیایند و در یک مرکز بزرگی اعلام کرد که یک دشمن برای من پیدا شده، می خواهم دشمن را پیدا کنم. همه دسته دسته آمدند، گفت می خواهم او را پیدا کنم. در تاریخ هست یک یک نگاه می کردند می گفتند: این نیست، این نیست، این نیست. به این بهانه همه مردها را آوردند تا صبح شد و فرعون راحت شد. گفت بنا بود که امشب نطفه ای در این سرزمین منعقد بشود و ما مردهای این سرزمین را جمع کردیم و راحت شدیم که نطفه ای منعقد نشد. ولی آیا مطلب این بود؟ فرعون فقط چشمش ظاهر را می دید و باطن و قوانین الهی را نمی دید، علل و اسباب را که نمی شناخت. آن وقت عمران پدر موسی، با همسرش یرعا که هر دو از نواده های حضرت ابراهیم بودند در همان کاخ فرعون باهم قرار گذاشتند و همان شب ساعتی با هم بودند.

ملّاجلال الدین رومی در مثنوی این

قصه را بـا آب و تـاب نقـل می کنـد، بـا اشـعار متنوّعی و به کلمـات مختلفی می آورد. ولی نکته اینجاست که من این قصه را عرض کردم برای یک بیتی که مثنوی می گوید: آنجا که خواست عمران از همسرش یرعا جدا شود به او چنین گفت:

من چو أبرم، تو زمین، موسی نبات حق شه شطرنج و ما ماتیم مات گفت شاه شطرنج، خداست و اینجا شطرنجی بود که فرعون خواست شاه آن باشـد و بازی کنـد، چنـد تا مهره هم بود، فکر می کرد اگر این مهره ها را بردارد و جا به جا کنـد رقیب را در بازی محاصره کرده، غافل از این که فرعون فقط پنج شش تا از این مهره ها را می شناخت،

میلیون ها مهره هست، میلیون ها قانون است و فرعون از مهره های دیگر بی خبر بود و لذا حق شه شطرنج و ما ماتیم مات.

قسمت دوم

واقعاً بایـد به این نکته توجه کرد که قوانین الهی چه قـدر زیاد است و چه انسان هایی این قوانین را می بیننـد. عمران می دیـد، یرعا می دید، ولی فرعون نمی دید و این یک مطلبی است. در تمام اموری که ما داریم، خوبان هم تا جای خاصـی را می بینند و خیلی جلو نمی روند.

حالاـ باز هم مثالی بزنم: حکیمه خاتون، دختر جواد الائمه علیهم السـلام خانمی است بسـیار متـدین و بسـیار عالی مقام، کنیزی دارد به نام نرجس که همین نرجس ابتـدا که آمـد کنیز حکیمه خاتون شد، حکیمه خاتون وقتی وارد مجلسـی می شد، نرجس خم می شـد و کفش هـای حکیمه خاتون را بر می داشت و بعـد که می آمـد جلویش می گـذاشت، این جور احترام می کرد. یک شب امام عسکری علیه السلام به او فرمود که خداوند قرار است از این

زن، قائم آل محمّد را به ما مرحمت کند. حکیمه خاتون گفت: عجبا من نمی دانستم.

امام علیه السلام فرمود: در چهره و در پیشانی نرجس پیداست. او گفت: من نمی بینم، من نمی دانستم، نمی بینم.

بعد از این جریان حکیمه وارد منزل امام عسکری شد نرجس خم شد تا کفش حکیمه را بردارد، ولی فوری او خم شد و دست نرجس را بوسید و گفت: نمی گذارم کفش من را برداری و جلویم بگذاری.

او گفت: سیده من! حکیمه هم به نرجس گفت: سیده من! خانم من!

نرجس گفت: چطور این جور با من صحبت می کنی؟

حکیمه فرمود: امام عسکری علیه السلام فرموده است: مهدی موعود که ذخیره خداست، از توست و در جبین و چهره توست. ولی حکیمه خاتون با آن که یک خانم الهی بود، این ها را نمی دید. دیدِ انسان های پاکیزه هم تا قدری است ولی دیدِ انسان کامل به همه خلایق است.

بنابراین، ای جوان عزیز و ای فرزند اسلام! شما که دلداده امام عصرید و به یاد امام زمان علیه السلام نیمه شعبان را گرامی می داری عرض می کنم، بدان که امام عصر تو را می بیند، عملت را می بیند، خنده هایت را می بیند، از دل تو هم با خبر است، اعمال تو هم برای او روشن است، پس حالا که چنین است و چنین بزرگواری ما را می بیند،ای عزیزم! خودمان را جمع کنیم، مواظب و مراقب خودمان باشیم و ببینیم چه جور زندگی کنیم، چه جور فکر کنیم؟ مراقب نگاه ها باشیم، مراقب ارتباطها باشیم، مراقب برخوردها باشیم.

جوان عزیز! نیمه شعبان شب نشاط است؛ ولی نشاط، نشاط الهی است نه کارهای ناپسند که مورد رضای خدا نیست. آن نشاطی که مورد رضای امام عصرعلیه السلام است، چون

ایشان اعمال ما را می بیند.

جوانانی که همسر دارید این داستان را از دید امام زمان علیه السلام بشنوید و در زندگی مان تجدید نظر کنیم، ببینیم چه جور باید زندگی کرد که امام عصر بپسندد. یک خانمی بود و یک آقایی، این آقا جوانی بود که نامش ابو غالب و فامیلی اش زراری بود. ابو غالب زراری همسری داشت که آن هم جوان بود. آن ها با هم نمی ساختند و ظاهراً مقصر هم بیشتر خانم بود، خانه را رها کرد و رفت خانه پدرش. این جوان که با پسرش عباس در خانه تنها مانده بود خیلی متأثر بود. شنید جناب ابوالقاسم حسین بن روح نایب سوم امام عصر – ارواحنا له الفداء – است. فکر کرد می شود به محضر او رفت و شکایت کرد، بلکه فرجی شود.

از کوفه بیرون آمد یک دوست پیرمرد داشت او را پیدا کرد و گفت: دست مرا به یکی از کسانی که در رابطه با امام عصرند یا جناب ابوالقاسم یا محمّد بن علی شلمغانی برسان، من مشکلی دارم. ولی به او نگفت مشکلم چیست، نگفت زنم از خانه رفته و بچه ام تنهاست و سرگردانم، به او حرفی نزد ولی با رفیقش، آن پیرمرد، به منزل همین محمّد بن علی شلمغانی که با جناب ابوالقاسم حسین بن روح در ارتباط بود، رسید و سلام کرد و او این جوان را معرفی کرد. گفت: این نامش ابوغالب و لقبش زراری است. گفت: زراری از نواده های زراره بن اعین هستی؟ گفت بله. گفت زراره بن أعین مردی بزرگ بود آفرین. گفت مشکلی دارم من آمده ام به امام عصرعلیه السلام این مشکل مرا برسانید که مشکل مرا حلّ

کند.

گفت بسیار خوب. او هم به جناب ابو القاسم حسین بن روح گفت و جناب ابوالقاسم هم به حضرت عرض کرد.

مدّتی گذشت و ابوغالب زراری به خودش گفت: برویم ببینیم چه خبر شده. حالا چند روز است که از کوفه هم بیرون آمده و نگران پسرش که به خانه پدر بزرگ رفته می باشد، نزد محمّد بن علی شلمغانی رفت و گفت: من می خواستم ببینم حاجت من چه شد؟ او هم نوشته را درآورد و گفت: اشخاصی حاجات خواستند من یک یک می خوانم. بعد خواند و این عبارت را از حضرت نقل کرد. او تا حالا به احدی مشکلش را نگفته بود. آن عبارت این بود: «والزوج والزوجه فأصلح اللّه ذات بینهما». گفت این پیام درباره شماست که امام زمان علیه السلام دعا کرده درباره شما و همسرتان، شما با هم آشتی کردید و مشکلتان حل شده است. او اصلاً مبهوت ماند، از طرفی نمی خواست رفیقش هم بفهمد قصّه چیست؟ گفت عجب! از کجا فهمید، من که به کسی مشکلم را نگفته ام. عجب! امام عصر تسلط دارد، عجیب است که به همه چیزها این قدر مسلط و آگاه است. خدایا این چه انسانی است که این چنین قطب عالم و محور هستی است.

او برگشت کوفه، تا وارد خانه شد دید خانمش در منزل است. خانمش گفت: وقتی رفتی، برگشتم به منزل و از تو عذر می خواهم. رفتم خانه پدرم ولی یک مرتبه به دلم خطور کرد که برگردم. مرد به او گفت: امّا بدان این دعای امام عصرعلیه السلام بوده، این لطف امام زمان علیه السلام بوده که زندگی ما به هم نخورد، من خیلی ناراحت بودم که با

وجود این پسر، تو از من جدا شوی و زندگی ما متلاشی بشود، حضرت دعا کرد زندگی ما به هم نریزد.

ای پسران و ای دختران، ای جوانانی که تازه ازدواج نمودید! از یکدیگر بهانه نگیرید، از دست یکدیگر عصبانی نشوید، زندگی را مشکل نکنید، زندگی را تلخ نکنید، زندگی را از هم نپاشید، این مورد رضای امام عصر نیست، امام زمان علیه السلام می بیند.

تو خانم و آقایی که دل می دهید به امام زمان علیه السلام ، چرا از یک طرف علاقه به حضرت دارید و از یک طرف ایشان را از خود ناراحت می کنید؟ چرا زندگی را تباه می کنید؟ چرا زندگی را در ابتدا با حرف های زشت این چنین تلخ کنید؟ چرا نسبت به یکدیگر بی اعتقاد و بی علاقه باشید؟ نسبت به سرنوشت بچه هایتان بی علاقه باشید. امام عصر، اعمال ما، کارهای ما را مشاهده می کند؛ یعنی این میز مطالعه را می بیند، کتاب مطالعه ما را می بیند، افکار ما را، همه را تماشا می کند. این است معنای این که «فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ»؛ خدا می بیند، پیامبر هم می بیند، مؤمنون هم که انسان های کامل اند می بینند، حجت خدا اعمال ما را تماشا می کند.

بنابراین، عزیزم! با خدا باید معامله کرد، به قول مثنوی؛ با خدا شطرنج بازی نباید کرد. خدا را نمی شود در بازی شطرنج محاصره کرد. شما برای مثل امشبی که داستان ولادت امام عصر را می شنوید لذّت می برید. حکیمه خاتون می گوید: سحر بود و من بلند شدم برای خواندن نماز شب، من این طرف نماز شب می خواندم و نرجس هم آن طرف برخاست برای نماز. این ها اهل عبادت بودند، اهل راز و نیاز با خدا بودند، اگر ما دلمان با امام

عصر بود و خدای ناخواسته اهل نماز نبودیم، به نماز توجه نکردیم، در نتیجه زندگی مان را در گناه گذرانده ایم.

عزیزم! حضرت می بیند، حضرت می داند که من دارم صحبت می کنم، می بیند که من و شما داریم باهم حرف می زنیم، شما مخاطب من هستید و بنده هم متکلمم. همان طوری که ما این گل را می بینیم، همان طوری که ما این چراغ را می بینیم، او هم می بیند، عالم همه در برابرش باز است «یری الخلائق و اعمالهم»؛ افکار همه را می داند، خلوت و جلوت ما را می بیند. بنابراین باید خودمان را آماده و مرتب کنیم.

عزیزم! آماده شویم برای ظهور، آماده شویم برای فَرَج حضرت، آماده شویم برای این که او وقتی آمد یارانی پاک و پاکیزه داشته باشد. این آمادگی به وسیله فکر پاک است، به عمل پاک است، به زندگی درست است.

خلاصه مثل دیشبی بود که حکیمه خاتون برخاست برای نماز شب. نرجس خاتون هنوز بلند نشده بود، دراز کشیده بود ولی خبری از حملش نبود. با خودش گفت: امام عسکری علیه السلام گفته است که امشب نزدیک طلوع صبح، وضع حمل فرزند من است، پس چطور خبری نیست؟ از اتاق شنید: عمّه! عجله نکن. بعد حضرت تشریف آوردند، حلیمه خاتون جلو آمد و گفت: خبری از جناب نرجس نیست، من اثر حملی نمی بینم. امام عسکری علیه السلام تبسمی کرد و فرمود: مهدی علیه السلام در شکم مادر جوری خوابیده است که به پهلوهای مادر چسبیده، نه درست در شکم مادر «کان فی جنب اُمه» نه در بطن، اگر کودک در شکم بود شکم مادر جلو می آمد. ولی گویا معنای حدیث این است؛ یعنی خداوند، حضرت را جوری دراز کشیده قرار داده

و این طرف و آن طرف پهلوی مبارک مادر را گرفته که پیدا نیست. خدا چنین می خواهد، خدا چنین قرار می دهد. یک مرتبه نرجس «تَحَرّك» ناراحت شد و به حرکت درآمد. حکیمه خاتون متوجه شد، آمد او را گرفت و به سینه خودش چسبانید و گفت: وجود اقدس امام عصر – ارواحنا له الفداء – آناً طلوع کرد و در دامن مادر بزرگوارش نرجس خاتون این آیه شریفه را خواند: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»(۹)

این اراده خداوند روزی خواهد آمد که فرعون ها هلاک شوند، مستضعفان آقا گردند. این کشور ما، این نظام جمهوری اسلامی ما، نظامی است در راه امام عصرعلیه السلام، نظامی است که به این سو حرکت می کند، همه هم در این راهند، همه هم دنبال این مسیرند و ما امیدواریم که این کشور ما این ملّت ما، رهبر ما، نظام ما، قوای سه گانه و دولت و قوه مقننه و قوه قضاییه ان شاءاللّه از مدد خدای متعال و از لطف امام عصرعلیه السلام آن چنان مدد بگیرند که در خدمت ملت باشند و مشکلات ملت و مردم حل بشود.

خدایا! به مردم ما، به مغزهای جوانان ما، به دل های فرزندان ما عشق به امام عصرعلیه السلام، توجه به تقوا و توجه به معنویت را روز به روز بیشتر بفرما.

تا همه ملت، تا همه ما درست نباشیم و درست نشویم، راستگو نباشیم امین نباشیم، عادل نباشیم، کار درست نمی شود. کشور، کشور امام عصر است جریان، جریان امام عصر است و راه، راه آن حضرت است. بیاییم همه در سایه او در سایه لطف او قرار بگیریم.

من اینجا

این حدیث را هم عرض کنم که وقتی درباره امام عصرعلیه السلام صحبت می شود، می فرماید: «طریداً وحیداً غریباً الموتور أهله» وجود اقدس این بزرگوار در بیابان ها سرگردان است، غریب است، تک و تنهاست؛ از یک طرف آن چنان سرگردان است، از یک طرف گرفتاری های مسلمین را می بیند، از یک طرف اعمال خدای نخواسته زشت بنده و شما را می بیند، حضرت به همین جهت بسیار متأثر است و متألّم.

خدایا! ظهورش را به حق مادرش فاطمه زهراعلیها السلام نزدیک بفرما.

آن لحظاتی را که وقتی ظهور می کند، اولین بار در کنار کعبه دو رکعت نماز می خواند و سجده می کند و در سجده می گوید: «أَمَّنْ یُجِیبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعاهُ وَیَکْشِفُ السُّوءَ» نزدیک بفرما.

امام صادق علیه السلام می فرماید: مضطرترین انسان ها فرزند ما مهدی موعود است. چرا مضطر است؟ چون گرفتاری های مسلمین را، مشکلات، حوادث، ناملایمات و خدای ناخواسته گناهان من و شما را می بیند و از خدا می خواهد که خدا او را استمداد و یاری کند.

خدایا! ما را مورد لطف آن بزرگوار قرار بده، جهان اسلام را مورد لطف آن بزرگوار قرار بده، خدایا! شرّ اشرار را به خودشان برگردان.

خدایا! شر توطئه های دشمن را که در رأسش صهیونیسم اسراییل و امریکاست به خودشان بازگردان .... ذلت را به سرعت به سراغشان بیاور.

امام راحل و بزرگوار ما را و شهدای ما را در مثل امشبی که علی و فاطمه علیهما السلام خوشحال هستند با ولادت آن حضرت، خدایا بر سر سفره این دو انسان بزرگ ضیافت بفرما... .

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

سخنرانی حضرت آیت اللّٰه جوادی آملی دامت برکاته

نیمه شعبان ۱۴۲۶(ه.ق) مصادف با ۱۳۸۴(ه.ش)

اعوذ باللّٰه من الشیطان الرجیم بسم اللّٰه الرحمن الرحیم اَللّٰهُمَّ کُنْ لِوَلِیِّکَ الحُجَّهِ بْنِ الحَسَنِ

صَلَواتُکَ عَلَيْهِ وَعَلی آبـآئِهِ فِی هـذِهِ السّـاعَهِ وَفِی کُلِّ ساعَهٍ وَلِیّاً وَحافِظاً وَقآئِداً وَناصِـراً وَدَلِيلًا وَعَيْناً حَتّی تُسْـکِنَهُ أَرْضَکَ طَوْعاً وَتُمَتِّعَهُ فِيها طَوِيلًا.

میلاد مسـعود حضـرت بقیه اللّه – ارواح من سواه فداه – را به ساحت مقدس همان حضرت تهنیت عرض می کنیم و از خداوند متعـال مسـئلت می کنیم به همه ارادتمنـدان مقـام شامـخ مهـدویت؛ مخصوصـاً شـما برادران و خواهران، زائران مسـجد مقـدس جمکران، بالاـخص زائرانی کـه پیـاده از حرم تـا حرم مشـرّف شـده انـد و همچنین تـولیت معزّز و معظّم این مسـجد بـا برکت، سعادت و سیادت، و حسنه دنیا و آخرت مرحمت کند و بهترین عیدی ما را رضای آن حضرت از ما قرار بدهد.

چنـد جملـه ای که بین دو نمـاز به عرض شـما زائران این مسـجد پر برکت مطرح و معروض می شـود، عبـارت از این است که وجود مبـارک آن حضـرت وارث همه انبیـا و اولیـا است؛ هم وارث انبیـاست، هم وارث اولیـاست، هم وارث سایر اعضای اهل بیـت عصـمت و طهـارت – علیهـم الصـلاه و السـلام – است و چنین ذات مقدسـی تـوان آن را دارد که دین جهـان شـمول جدّ بزرگوارش را پیاده کند.

اگر دیگران در صـدد تجارت جهانی یا صـنعت جهانی اند، یا سـعی و کوشـش آنان این است که سایر کالاها را جهانی کنند، قرآن کریم در طلیعه ظهور، اسـلام را جهـان شـمول معرفی کرد و به عنوان «مـا هُوَ إلّـا ذکری لِلْبَشْـرِ» یـا«نَـذِیراً لِلْعالَمِینَ»یا«کافَّهً لِلنّاسِ»یا«رَحْمَهً لِلْعالَمِینَ» و مانند آن مطرح نمود.

قرآن در طلیعه نزولش فرمود: من پیـام جهـانی را به عرضه و اطلاـع شـما می رسـانم. این پیـام جهـانی به دست مبارک مهـدی موجودِ موعودِ منتظر – علیه آلاف التحیه و الثناء –

به ثمر می رسد.

مطلب مهمی که مربوط به مهدویت است این است که خداوند متعال این دین را به دو بخش تقسیم کرد: مسئولیت بخشی را به عهده مردم گذاشت و مسئولیت بخش دیگر را به عنوان وعده الهی به خود اختصاص داد. آن بخشی که به مردم واگذار شد تخلف پذیر است؛ یعنی برخی انجام می دهند و برخی انجام نمی دهند، چه این که می بینید.

خدای سبحان بشر را آزاد آفرید تا در سعادت و شقاوت، مختارانه عمل کنند و در روز قیامت پاداش و کیفر کار آزاد و مختار خود را دریافت کنند. آن بخشی که به عهده مردم است در سوره مبارکه حدید به این صورت بازگو شد و فرمود: ما انبیا را فرستادیم، کتاب های آسمانی را نازل کردیم «لِيَقُومَ النّاسُ بِالْقِسْطِ»(۱۰) تا مردم به قسط و عدل قیام کنند؛ چه در مسائل فردی و جمعی و چه در مسائل عادی و سیاسی، عادلانه رفتار کنند. لکن برخی عمل می کنند و برخی سر باز می زنند«وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَآءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَآءَ فَلْيَكْفُرْ»(۱۱)، «إِنّا هَدَيْناهُ السَّبِيلَ»(۱۲)، «وَهَدَيْناهُ النَّجْدَيْنِ»(۱۳) و مانند آن. در این بخش، تخلف و گناه ممکن است، لذا ممکن است دین پیاده نشود.

امّا آن بخشی که به عهده خود گرفت، این را به صورت وعده جهانی بیان کرد. در چند جای قرآن فرمود: خدا که مبدأ آغاز همه معارف حق است «أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»(۱۴)

«وَلَوْ كَرِهَ الْكافِرُونَ»(۱۵)«وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً»(۱۶) در این بخش نفرموده من کتاب های آسمانی را نازل کردم تا شما کامل و عادل شده، یا به مقاماتی برسید؛ بلکه فرمود: من کتاب های آسمانی را

نـازل کردم تا خودم دین خودم را جهانی کنم، نه «لِتُظْهِرَهُ عَلَی الـدِّینِ کُلِّهِ» بلکه«لِیُظْهِرَهُ عَلَی الـدِّینِ کُلِّهِ» من قرآن نازل نکردم که به دست شـما جهانی بشود، این شدنی نیست چون شـما یا ضعف درونی دارید یا مشکل بیرونی، برخی گرفتار «غَلَبَتْ عَلَیْنا شِقْوَتُنا»(۱۷) هستند؛ یعنی آگاهانه و به عمد، بی راهه و کج راهه می روند. بعضی ها توان آن را دارند که خود را کنترل کنند ولی طغیان طاغیان نمی گذارد، آن ها کسانی هستند که می گویند «رَبَّنا أَخْرِجْنا مِنْ هذِهِ الْقَرْیَهِ الظّالِمِ أَهْلُها».(۱۸)

پس گـاه ضـعف درونی و گـاه مـانع بیرونی اسـت کـه نمی گـذارد جهـان بـه دسـت بشـر گلسـتان بشـود و این «لِیَقُومَ النّاسُ بِالْقِسْطِ»(۱۹) جـامه عمـل بپوشـد، لـذا فرمود: من برای این که هـدف انبیـا عملی بشود خودم به عهـده می گیرم «أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَی وَدِینِ الْحَقِ» تا خود خدای سبحان دینش را بر همه آیین ها پیروز بگرداند«لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ «وَلَوْ کَرِهَ الْکافِرُونَ»، «وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْـرِکُونَ» «وَکَفَی بِاللَّهِ شَهِیداً» چون خداوند متعال این مطلب را به عنوان وعده به عهده گرفت نه ضعف درونی در سـاحت قـدس ربوبی است که او به وعـده عمـل نکنـد نه مشـکل بیرونی. ضـعف درونی نـدارد چون علیم محض است، قـدیر محض است، حکیم محض است، عادل محض است، رؤوف و مهربان محض است. ضـعف بیرونی ندارد، برای این که سراسـر جهان سـتاد اجرایی دسـتور اوینـد، در نظام تکوین چیزی نیست که در برابر خـدا بایسـتد «وَلِلَّهِ ِ جُنُودُ السَّماوَ اتِ وَالْأَرْضِ»(۲۰) است «وَما یَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّکَ إِلَّا هُوَ»(۲۱) همه اشیا و اشخاص، ستاد اجرایی خدایند.

یکی از بیانات نورانی امیر کلام، علی بن ابی طالب – علیه آلاف التحیه و الثناء – این

است که فرمود: «واعلموا عباد اللّه أن جوارحکم جنوده و خلاتکم عیونه»؛ ای مردم! بدانید اعضا و جوارح شما سربازان خدایند، در برابر دین خدا، حکم خدا، فرمان خدا، وحی خدا و دستور خدا به مبارزه برنخیزید. خدا اگر خواست کسی را بگیرد از بیرون لشکر کشی لازم نیست، خود آن شخص سرباز خداست، شخص را با زبان خودش می گیرد، با قلم او می گیرد، با فکر او می گیرد، با قدم او می گیرد، جایی می رود که نباید برود به هلاکت می افتد، حرفی را می زند که نباید بزند به هلاکت می افتد، مطلبی را امضاء می کند که نباید بکند به هلاکت می افتد.

خدا اگر خواست کسی را بگیرد با زبان او می گیرد، با چشم او می گیرد، با دست و پا و گوش او می گیرد. اعضا و جوارح ما سربازان اویند، او از بیرون سرباز کشی لازم ندارد «واعلموا عباد اللّه أَنّ جوارحکم جنوده». این که می بینید اگر کسی کج راهه رفته، نصیحت ناصحان را گوش نداد، حرفی می زند که آبرویش می ریزد، جایی می رود که آبرویش می ریزد، معلوم می شود خدا او را با دست خودش گرفت، خدا او را با پای خودش گرفت، چون سراسر جهان ستاد اجرایی خدایند. آن قدرت مطلق از یک سو، ستاد اجرایی جهان شمول هم از سوی دیگر.

بنابراین چیزی جلوی تحقق اراده او را نمی گیرد، کاملاً این سخن صحیح است که فرمود «إِنَّما أَمْرُهُ إِذَآ أَرَادَ شَیْئاً أَنْ یَقُولَ لَهُ کُنْ فَیَکُونُ»(۲۲) من این دین را ندادم که شما گاهی عمل کنید، گاهی عمل نکنید، این دین را من خودم بالاخره جهانی می کنم این هم اصل دیگر. انبیا آمدند نشد، اولیا آمدند نشد، از ذات

مقـدس رسول گرامی – علیه آلاف التحیه و الثناء – در لحظه لحظه زنـدگی، مسئله قرآن و عترت از یـک سو، مسئله جریان مهدویت از سوی دیگر مطرح شده است به هر کسی به هر مناسبتی در هر شرایطی وجود مبارک رسول گرامی صلی الله علیه وآله نام مبارک حضرت مهدی علیه السلام را می برد. به جابر بن عبداللّه انصاری که از صحابه نام آورش بود فرمود: جابر! بعد از رحلت من تو همچنان زنده ای، نوه من پسر امام زین العابدین، اسم او اسم من است، امام پنجم شیعیان است، وقتی فرزند امام زین العابدین به نام باقر را دیدی سلام مرا به او برسان و بگو: جدّت رسول گرامی به تو سلام رساند. بعد به او بگو که مهدی فرزند توست.

اسم او مشخص شد. فرمود: به نوه من پسر امام زین العابدین که امام پنجم شیعیان است این حرف را برسان.

جابر بن عبداللّه در اواخر عمرش که طولانی بود نابینا شد، در کوچه های مدینه راه می رفت و بعضی از سفارشات رسول گرامی صلی الله علیه وآله را به مردم مدینه می رساند. می گفت: مردم! «أدّبوا أولادکم علی حبّ آل الرسول» بچه هایتان را به محبّت علی و اولاد علی آشنا کنید، این ها را دوست اهل بیت علیهم السلام کنید، فضایل اهل بیت را بگویید، معجزات و کرامات آنان را بگویید، بزرگواری های اهل بیت،شفاعت و فداکاری های اهل بیت را بگویید تا بچه هایتان دوست علی و اولاد علی علیهم السلام بشوند.

همین جابر که در کوچه پس کوچه های مدینه راه می رفت و این شعارش بود و می گفت: مردم! بچه هایتان را به محبّت اهل بیت علیهم السلام تربیت کنید، همین که فهمید امام باقرعلیه السلام کیست، رفت تا دستش را ببوسد، سلام

کنـد و بگویـد «من مـأمورم که سـلام جـدّت پیامبرصـلی الله علیه وآله را به تو برسانم و به تو بگویم که پیامبر فرمود: مهـدی – عجل اللّٰه تعالی فرجه الشریف – فرزند توست».

این از اسـرار رسـول گرامی صـلی الله علیه وآله است که در هر مقطـع تاریـخ، مردم را به قرآن و عـترت از یـک سـو و جریـان مهدویت از سوی دیگر آشنا می کند و این برای آن است که وعده خدا محقق بشود.

خداوند همان طوری که دین را به وسیله رسول گرامی احیا کرده است و اصل استقرارش به دست پیامبرصلی الله علیه وآله بود و به پیامبر فرمود: «وَما رَمَیْتَ إِذْ رَمَیْتَ وَلکِنَّ اللَّهَ رَمَی (۲۳) هنگام ظهور مهدی موعود هم به او می فرماید:

«وما أظهرت الدین الحق ولکن اللّٰه أظهره».

اگر وجود مبارک ولی عصـر– ارواحنا فداه– دین را جهان شـمول می کند، روی قدرت غیبی ذات اقدس اله است، اگر دین به وسـیله جدش در فضای شـرک و الحاد و کفر و نفاق مسـتقر شد، آن طوری که وجود مبارک امیرالمومنین علیه السـلام فرمود: پیامبرصـلی الله علیه وآله وقتی تجلی کرد که جهان، بخشـی به تشبیه، بخشـی به تجسـیم، بخشی به الحاد و مانند آن آلوده بود، بین مشبّه و ملحـد و مجسم. در چنین فضای آلوده جهانی، اسـلام مسـتقر شد و خدا به او فرمود «وَما رَمَیْتَ إِذْ رَمَیْتَ وَلکِنَّ اللَّهَ رَمَی در زمان ظهور ولی عصـر– ارواحنا فـداه– هم خـدا به او می فرمایـد: «وما أظهرت دین الحق إذ اظهرت ولکن اللّٰه أظهره»؛ این وعده الهی تخلّف ناپذیر است.

این مژده جهانی شدن دین، یقینی است چون خدا این کار را به عهده خود قرار داده نه مردم؛

«لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ»(۲۴)«وَلَوْ کَرِهَ الْکافِرُونَ»(۲۵).

وظیفه ما منتظران آن است، همان طوری که افرادی در بدر و اُحد، و در جریان خندق و حنین، جزء یاران و یاوران وجود مبارک رسول گرامی صلی الله علیه وآله بودند، از خداوند متعال بخواهیم که ما هم در عصر غیبت و همچنین- ان شاءاللّه در عصر حضور و ظهور، با قلم و بیان و بدن و فکرمان با حمایت های علمی و عملی مان جزء یاران و یاوران راستین آن حضرت باشیم.

در پایان ضمن تبریک مجدّد، این دعای عصر غیبت را که شاید در برخی از سنوات گذشته به عرضتان رسید و تفسیر شد یک تفسیر کوتاهی ارائه کنیم.

وظیفه ما در عصر غیبت این است، وظیفه است نه برای ثواب فقط. وقتی از امام صادق علیه السلام سئوال می کنند: وظیفه ما در عصر غیبت چیست؟ فرمودند: این دعا را بخوانید. یک وقت کسی دعای کمیل می خواند برای ثواب، دعای مناجات شعبانیه می خواند برای ثواب، یک وقتی هم در عصر غیبت وظیفه دارد این دعا را بخواند. عرض کرد: آن دعا چیست؟ فرمود: همین چند جمله:

« اَللَّهُمَّ عَرِّفْنِی نَفْسَکَ فَإِنَّکَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی نَفْسَکَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِیَّکَ، اَللَّهُمَّ عَرِّفْنِی رَسُولَکَ فَإِنَّکَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی رَسُولَکَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَکَ، اَللَّهُمَّ عَرِّفْنِی حُجَّتَکَ فَإِنَّکَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی حُجَّتَکَ ضَلَلْتُ عَنْ دِینِی.»

این دعا یک تحقیق علمی است، شما کجا دعای استدلالی دارید؟ دعا این است که خدایا! مغفرت نصیب ما کن، حوایج ما را برآورده کن، گناهان ما را ببخش، دیون ما را ادا کن، بیماران ما را شفا بده و مانند آن؛ امّا برهان، آن هم برهان لمّ، تعلیل فلسفی و عقلی، از توحید به

نبوّت و از نبوّت به امامت و مهدویت برسد. این نحوه دعا در سنخ ادعیه نیست، این سنخ برای آن است که ما را از غدیر به سقیفه نکشاند، بلکه این دعا برای آن است که ما را از مردم سالاری خشک به مردم سالاری دینی منتقل کند.

توضیح مطلب به عنوان استدلالی که حضرت به زراره یاد داد این است که آیا ما امام را به عنوان وکیل می شناسیم؟ به عنوان رهبر می شناسیم؟ یا امام را به عنوان جانشین پیغمبر می شناسیم؟ اگر – معاذ اللّٰه – امام را به عنوان وکیل الرعایا بشناسیم، به عنوان پیشوایی که ما انتخاب می کنیم تا مشکل ما را حل بکند، خوب این از سقیفه هم بر می آید، نیازی به غدیر نیست.

ما که امام را برای این نمی خواهیم که خواسته ما را عمل کند، ما امام را برای این می خواهیم که به جای پیغمبر بنشیند، اگر ما پیغمبر را نشناسیم آن منوبُ عنه را نشناسیم، آن مستخلف عنه را نشناسیم، آیا خلیفه را می شناسیم؟ نایب را می شناسیم؟ آیا امام وکیل مردم است یا نایب پیغمبر؟ اگر وکیل مردم باشد می شود مردم سالاری خشک، آن وقت است که مردم در سقیفه جمع می شوند تا امام انتخاب کنند؛ امّا امام که این نیست، امام حافظ قرآن است، مفسّر قرآن است، مُبیّن قرآن است و از وحی با خبر است، از باطن قرآن با خبر است، از تأویل قرآن با خبر است،از گذشته و حال و آینده با خبر است، از اعمال مردم با خبر است. یک چنین آدمی وکیل مردم نیست بلکه جانشین پیغمبر است.

تا انسان پیغمبر را نشناسد امام شناس نخواهد بود. خوب پیغمبر کیست؟

آیا پیغمبر هم جزء نوابغ روزگار است؟ آیا پیغمبر هم جزء نمایندگان مردم است؟ آیا پیغمبر را مردم انتخاب می کنند یا پیغمبر بر اساس «إِنِّی جاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلِیفَةً»(۲۶) خلیفه اللّٰه است؟ خوب اگر پیغمبر خلیفه اللّٰه است، انسان تا مستخلف عنه را نشناسد آیا می تواند خلیفه را بشناسد؟ اگر منوب عنه را نشناسد نایب را می شناسد؟ اگر توحیدش مستحکم نباشد، خداشناسی اش، خدا بینی اش، خدا پرستی اش محکم نباشد، پیغمبر را می شناسد؟

ما اول باید توحیدمان کامل باشد تا نبوّتمان تکمیل شود، نبوّتمان باید تکمیل باشد تا امامتمان کامل گردد، امام شناسی ما باید تکمیل باشد تا ذخیره عالم شناسی ما کامل شود، لذا فرمود: وظیفه شما در عصر غیبت این است.

این یکی از احکام انتظار و یک معنای علمیِ وظیفه منتظران است.

یک انسان منتظر، موحّد خوبی است، پیغمبر شناس خوبی است، امام شناس خوبی است، اگر این گونه باشد آن گاه ولی عصرش را هم می شناسد.پس این «اللّهمّ عرّفنِی نفسک فإنّک...» برهان لمّ است برای این که من اگر منوب عنه را نشناسم نایب او را هم نمی شناسم.من که با معجزه نمی توانم او را بشناسم، معجزه وقتی سند است که سند قطعی توحید را از قبل تأمین کرده باشیم «اللّهمّ عرفنی نفسک فإنّک إن لم تعرفنی نفسک لم أعرف نبیّک و...».

من مجدداً این عید سعید را به پیشگاه امام زمان علیه السلام و شیعیانش تهنیت عرض می کنم و اجر و پاداش همه شما؛ مخصوصاً عزیزانی که پیاده از حرم و راه های دورتر به این مسجد مقدس مشرف شده اند را از خداوند متعال مسئلت می کنم و از مسئولان محترم این مسجد پر برکت؛ بالاخص از تولیت آستان مقدس، حق شناسی می کنم و از

ذات اقدس اله توفیق و سعادت و سیادت و حسنه دنیا و آخرت را برای همه شما مسئلت می کنم. غفراللّه لنا و لکم والسلام علیکم و رحمهاللّه و برکاته

سخنرانی حضرت آیت اللّه سبحانی دامت برکاته

نیمه شعبان ۱۴۲۶(ه.ق) مصادف با ۱۳۸۴(ه.ش)

اعوذ بـاللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم اَللّهُمَّ کُنْ لِوَلِیِّکَ الحُجَّهِ بْنِ الحَسَنِ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَعَلی آبآئِه فِی هـذِهِ السّاعَهِ وَفِی کُلِّ ساعَهٍ وَلِیّاً وَحافِظاً وَقآئِداً وَناصِراً وَدَلِیلاً وَعَیْناً حَتّی تُسْکِنَهُ أَرْضَکَ طَوْعاً وَتُمَتِّعَهُ فِیها طَوِیلاً.

«وَلَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الْأَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحُونَ»(۲۷)

برای همه ما سعادت است که در چنین روز مبارکی در مسجد مبارک (جمکران) فریضه را انجام دهیم و درباره ائمه اهل بیت علیهم السلام بالاخص خاتم الاوصیاء علیه السلام سخن بگوییم. این یک سعادت بزرگی است که نصیب ما شده و برای شکرانه آن باید خدا را سپاس بگوییم افرادی هستند که الآن در نقطه ای از ایران و یا سایر نقاط جهان آرزوی چنین توفیقی را دارند.

سخن درباره خاتم الاوصیاء است. آقا امام زمان علیه السلام به عنوان خاتم الاوصیاء معروف است و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله با اوصیای دوازده گانه که آخرین وصی اش همین وصیّی است که جهان در انتظار اوست. وصیّی که خداوند منان در دیگر کتاب های آسمانی خود به ظهور آن حضرت بشارت داده است، نه تنها در قرآن مجید و نه تنها در انجیل و تورات، بلکه در زبور داوود هم بشارت وجود او را داده است.

آیه ای را که اول منبر تلاوت کردم، نشانه این است که آن حضرت و ظهورش یک نشانه جهانی و خبری عالم گیر بوده است «وَلَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ...» «ذکر» در این آیه، تورات

است، بعد از تورات در زبور نوشته ایم «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُها عِبادِيَ الصّالِحُونَ» زمین در آینده از آن صالحان خواهد بود. تاکنون که این خبر محقق نشده است و بشر تا به حال ندیده است که جهان در اختیار صالحان قرار بگیرد؛ زیرا پیوسته این جهان در اختیار افراد ظاهراً طالح و ناصالح بوده است.

«أَنَّ الْـأَرْضَ» چه زمانی جهان در اختیار پاکان و پاکدامنان قرار می گیرد؟ این در همان زمانی است که حضرت ظهور کند و جهان پاک شود و جهان آماده ظهور آن حضرت بشود «وَلَقَدْ كَتَبْنا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْـأَرْضَ يَرِثُها عِبادِيَ الصّالِحُونَ».

عجب این است که الآن هم در زبور این عبارت هست، در زبور عربی و فارسی، همین جمله الآن هم هست و این یکی از عنایات خداوند است. خداوند این خبر غیبی را در قرآن می دهد، چهارده قرن می گذرد و بشر تلاش های زیادی علیه قرآن کرده امّا هنوز هم این جمله در قرآن و زبور هست؛ زمین از آنِ صالحان خواهد بود، چه زمانی؟ هنگامی که آن خورشید تابان، آن خورشید پنهان ظهور کند و بشر آماده چنین انقلابی باشد.

من در اینجا می خواهم یک مطلب دیگری هم عرض کنم و از همه شما علاقه مندان خواهانم عنایت کنید. خاتم الاوصیاء فعلاً- یکی از اولیای غایب خداست، از اولیای پنهان خداست، آیا این اختصاص به شریعت مقدسه اسلام دارد یا این که خداوند منّان در طول جهان دو نوع ولی داشته؟ گاهی اولیایش آشکار و گاهی اولیایش مخفی می باشد ولی در عین حالی که مخفی و پنهان است، به تعبیر عامیانه، خدمت خود را به جامعه ادامه می دهد. پنهان است و

مردم او را نمی شناسند امّا او وظیفه خود را درباره مردم و جامعه انجام می دهد؛ مثلاً نگاه کنیم در یکی از سوره های قرآن که در آن می خوانیم «موسی بن عمران از خدا خواست که او را به ولی ای از اولیای زمان آشنا کند و از او درسی بگیرد.» داستانش مفصل است، خدای متعال به موسی بن عمران می فرماید: «در فلان نقطه شخصی را خواهی دید، می توانی از او بهره بگیری.»

موسی بعد از یک رشته مقدمات که فعلاً وقت مطرح کردن آن نیست، در آن نقطه با یک ولیّ مخفی، امّا در عین حال آشنای به وظیفه و عامل به وظیفه، ملاقات می کند. عرض می کند: اجازه می دهید من همراه شما باشم « عَلَى أَن تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْداً»(۲۸) تعبیر موسی است. انبیای اولوالعزم اگر پنج نفرند، یکی موسی بن عمران است، شریعت عالمی و جهانی اگر صحیح باشد یکی موسی بن عمران است. او به جایی می رسد که از این ولی پنهان درس می گیرد تا مایه رشدش باشد. بعداً می بینیم این ولی پنهان در روایات اسمش خضر است، امّا در آیات مبارکه مصاحب موسی است. حالا اسمش همین باشد یا نه ولیّ است که همراه موسی است. تصرف را ببین، این ولیّ پنهان به قدری پنهان است که حتی نبیّ زمان هم او را نمی شناسد. خضر شروع می کند به سوراخ کردن کشتی، مسلماً فلسفه ای دارد و به نفع صاحب کشتی است، امّا موسی بن عمران آگاه نیست «أَخَرَقْتَها لِتُغْرِقَ أَهْلَها لَقَدْ جِئْتَ شَيْئاً إِمْراً»(۲۹) اعتراض کرد سوراخ کردی مردم غرق می شوند، این ولیّ زمان آن چنان ولایت تکوینی دارد که کشتی را سوراخ می کند و صاحب

کشتی نمی بینـد؛ تصـرف در چشم ها می کنـد، تصـرف در بینایی مردم می کند، هیچ کس نمی بیند که این کشتی را سوراخ کرد الّا موسی بن عمران. بعدها می فهمد که چه مصلحتی در این کار پنهان بوده است.

در مرحله بعـد به نقطه ای می رسـند، دیواری در حال افتادن است، دیوار را به پا می کننـد. باز موسـی اعتراض می کنـد که ما برای کار کردن و درآمـد نیامـده ایم و باز فلسـفه اش را بیان می کنـد. این یک ولی ای است در خدمت مردم. تعبیری عامیانه است بلکه وظیفه الهی را انجام می دهد.

پس معلوم می شود که در طول زمان، گاهی اولیای خداوند آشـکارند، مانند موسی بن عمران و گاهی ولی اش کار می کند، وظیفه انجام می دهد و مردم او را نمی شناسند.

بعـداً حضـرت خضـر یک یک به جناب موسـی، فلسـفه کارش را بیان می کنـد: «أَمّا السَّفِینَهُ فَکانَتْ لِمَساکِینَ یَعْمَلُونَ فِی الْبَحْرِ فَأَرَدتُ أَنْ أَعِیبَها»(۳۰) این کشتی مال مستضـعفان بود، «وَکانَ وَرَآءَهُمْ مَّلِکٌ یَأْخُذُ کُلَّ سَفِینَهٍ غَصْباً»(۳۱) یک فرمانروایی در دریا بود که تمام کشتی ها را مصادره می کرد و اگر این کشتی صـحیح و سالم بود این هم مصادره می شد. من آن را معیوب کردم تا «فَأَرَدْتُ أَنْ أَعِیبَها» مصادره نشود.

این یک نمونه از کارهایی است که قرآن از یک ولی پنهان نقل می کند. پنهان می گوییم زیرا نادیده و ناشـناخته است امّا در دل اجتمـاع هست، این ولی به قـدری مهربـان و در فکر مستضـعفان است که مبـادا کشتی این هـا مصادره شود و کشتی را آن چنـان معیوب می کنـد که مورد نظر سـتمگر غارتگر نباشـد. دیوار را به پا کرد زیرا در دیوار گنجی بوده، متعلق به دو یتیم که اگر افتاده بود گنج به غارت

می رفت، دیوار را به پا می دارد تا این دو یتیم بزرگ و راهنمایی شوند و گنج خود را بردارند.

آقا امام زمان علیه السلام نمونه این اولیایی است که قرآن معرفی می کند. بنابراین ولیّ در جهان، گاهی آشکار و گاهی پنهان است و در هر دو حالت به ولایت و امامت عمل می کند. امام زمان مان ولیّ ماست، امام ماست ولی ما نمی شناسیم. او خضر زمان است، کارهای خضری انجام می دهد، هم در مرحله امنیت، هم در مرحله فقه و دانش و هم در دیگر مراحل، این یک نمونه ای است که قرآن در سوره کهف برای ما می گوید. بنابراین نباید تعجب کنیم که یازده وصی آشکار است امّا خاتم الاوصیاء آشکار نیست؛ عیناً مانند موسی که آشکار است امّا خضرش آشکار نیست، او در قلمرو آشکار کار می کند این در قلمرو ناشناخته.

یک داستان کوچکی برای امثال خودم عرض کنم، بحمداللّه همه شماها ان شاءاللّه ولیّ خود را شناخته اید و به این مکان مقدس (مسجد جمکران) آمده اید و وظیفه خود را انجام می دهید. یکی از دوستان ما در قم کاسبی مختصری دارد و حساب و کتابش با من است، حقوق واجبه را به ما می دهد و ما هم مصرف می کنیم. دو سال قبل ما را به خانه خود دعوت کرد، ناهار خوردیم و محاسبه کردیم مبلغ مختصری دادنی شد و گفت عازم حج هستم. من نیز مقداری سفارش درباره حج به او کردم. مرد پاکی است، اسمش را نمی برم، معرفی هم نمی کنم شاید هم راضی نباشد. رفت و برگشت. گفتم: چه دیده ای؟ گفت: واقعش این است که روز عرفه بعد از عرفه که شب شد شب مشعر که شد ما

که از عرفات حرکت کردیم آن چنان ترافیک عجیبی بود دیدم به این سبک ما به مشعر نمی توانیم برسیم، از ماشین پیاده شدم عوض این که همراه ماشین و در مسیر ماشین حرکت کنم ناخود آگاه به سمت چپ رفتم که یک خورده دور بزنم ماشین ها کمتر مرا اذیت کنند. مقداری رفتم، یک مرتبه دیدم در یک بیابانی هستم، به قدری منحرف شدم که هیچ خبری نیست، نه صدای ماشین می شنوم و نه صدای پرنده (این آقا در قید حیات هستند و بسیار متدّین) در همان جا عرض کردم: خدایا! اگر بنا بود که در این بیابان بمیریم خوب در محل خودمان می ماندیم و می مردیم ما آمده ایم حج، زائر خانه خودتان هستیم. متوسل به حضرت شدم، در همین حالت و گیر و دار، هوا هم تاریک بود بیشتر تاریک شد، که یک مرد عربی را در چند قدمی دیدم، به زبان فارسی گفت: اینجا چه می کنی؟ گفتم: من برای این که گیر ترافیک نباشم راهم را کج کردم تا خودم را به مشعر برسانم ولی اینجا رسیده ام. گفت: پشت سر من بیا، مقداری پشت سرش رفتم یک مرتبه همه کاروان ها و قافله ها و ماشین ها را دیدم. گفت: برو ملحق شو. رفتم ملحق شدم، یک مرتبه به خود آمدم: این کی بود؟ چه شخصی بود که دست مرا گرفت؟ در همان حالت به قدری منفعل بودم که توجه به این معنویت و این تصرف نکردم، بعد هم خبری ندیدم. این همان خضر زمان است، کشتی را به نفع مستضعفان سوراخ می کند و هیچ کس نمی بیند، دیوار را به نفع یتیمان برپا می کند تا بعداً گنج خود

را بردارند. این فقط یک قضیه ای است از دوستانم که به پاکی معروف است. به او گفتم: این را در دفتری بنویس تا بعد از خود به یادگار بماند.

جریان موسی و خضر داستان سومی هم دارد، غلامی را به قتل می رساند روی مصالح و کسی نمی بیند. تصرفات امام زمان علیه السلام الآن هم هست.

اولیای الهی دو جورند، امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: «اللّهمّ بلی للّه من قائم امّا شاهداً مشهوراً أو خائف» سلیقه خدا این بوده، سیره خدا این بوده و به تعبیر متکلمان، اراده حق تعالی بر این تعلق گرفته که برای بشر دو نوع ولّی معین کند، گاهی آشکار و گاهی پنهان، ولّی پنهان، کار ولی آشکار را انجام می دهد امّا مردم نمی بینند. البته این پنهانی موقت است و دائم نیست، شرایطی دارد و تا شرایط فراهم نشود این پنهانی، پنهان خواهد بود. این پشتِ پرده غیبت دائمی نیست، موقت است؛ «وَلَقَدْ كَتَبْنا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُها عِبادِيَ الصّالِحُونَ»(۳۲) در همان زمان حضرتش ظهور می کند.

خوب حالا اگر حضرت ظهور کرد آیا آمادگی هست؟ چون آمادگی های مختلفی لازم است؛ در درجه اول آمادگی فکری و به تعبیر ما انقلاب فرهنگی باید در مردم رشد کند. یازده وصی آمد و رفت، همه را کشتند یا مسموم کردند و قدرشان را ندانستند؛ مانند امیرمؤمنان علیه السلام این شخصیت منحصر بعد از پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله که در محراب عبادت به شهادت رسید. چنین جامعه ای لیاقت ندارد، اگر حضرت در چنین شرایطی ظهور کند، به همان سرنوشت مبتلا می شود، پس باید موقعی بیاید که مردم قدر این گوهر و قدر این ولیّ را بدانند و جان

نثار باشند.

من یک مثالی می زنم ان شاءاللّه برادران همراه خود ببرید. در این صد سال اخیر یعنی از حدود سال ۱۳۰۰ تا ۱۴۰۰ ه.ق سه تا انقلاب در ایران بود، انقلاب اول مال مرحوم میرزای شیرازی در سال ۱۳۰۸ ه.ق که داستان تنباکو معروف است، بعداً انقلاب مشروطه آن هم به رهبری آیت اللّه خراسانی و دیگران، سومین انقلاب توسط مرحوم آیت اللّه کاشانی در سال ۱۳۳۱ شمسی، هر سه انقلاب هم مقدس بود، رهبرانش از اولیای الهی بودند، امّا کمتر نتیجه گرفتند، چرا؟ مشکل در رهبر بود؟ خیر، مجتهدین عالی مقام بودند. مشکل در برنامه بود؟ خیر، بلکه مشکل در این بود که جامعه آن روز آماده آن انقلاب گسترده نبود. انقلاب در یک حد محدودی بود، نفت هم که ملّی شد همین بود. امّا انقلابی که استاد بزرگوار، حضرت امام –اعلی اللّه مقامه– انجام داد و فراگیر شد و رژیم عوض شد، یک انقلاب گوهری و جوهری بود، امّا چرا؟ چون مردم از نظر فرهنگی پیش بودند، آگاهی های قبلی علما و دانشمندان برای این انقلاب بستری درست کرد، لذا انقلاب امام، انقلاب چهارم است و عطف بر آن سه انقلاب است؛ امّا آن ها فراگیر نشدند چون آگاهی در مردم کم بود، اطلاع کم بود، فکر کم بود، امّا در این انقلاب اخیر به خاطر روابط فراوان مردم با علما، حوزه های علمیه قم و مشهد و اصفهان، در جامعه یک آمادگی ایجاد شد و جرقه اش را امام زد.

انقلاب اسلامی ایران، انقلاب اساسی و ریشه ای بود، من نمی خواهم انقلاب امام زمان علیه السلام را بر این انقلاب تطبیق کنم، مسلماً فرق فراوان است ولی انقلاب حضرت هم

از این قبیل است اگر چه انقلابش جهانی است. در انقلاب جهانی باید در اکثر نقاط جهان آمادگی باشد، مغرب و مشرق، مردم به قدری از این سازمان های اطلاعات و دستگاه های بشری مأیوس بشوند که رو به معنویت بیاورند، معنویت. در چنین موقعی است که انقلاب حضرت، آمادگی بیشتری پیدا می کند و حضرت تشریف می آورند.

این حدیث را بخوانم و عرایضم را خاتمه بدهم، حدیث در اصول کافی کلینی متوفای ۳۲۹ ه ق و در کتاب علم و عقل آورده شده است.

امام باقرعلیه السلام می فرماید: «إذا قام قائمنا وضع اللّه یده علی رؤوس العباد فاکتمل بها عقولهم وافکارهم»؛ هنگامی که امام قائم علیه السلام قیام کند خدای متعال دست آن امام را یا دست رحمت خود را بر سر مردم می نهد، اندیشه ها بالا می رود، فکرها بالا می رود، مردم منتظر یک انقلاب آسمانی هستند تا راحت شوند.

بنابراین آمادگی انقلاب فرهنگی در مردم جهان، قدم اول است. خوشبختانه کم کم بشر دارد از تمام این تمدّن های بشری و صنعتی مأیوس می شود، در همین طوفان آمریکا دیدید قدرتمندترین دولت جهان نمی تواند یک طوفانی را مهار کند، بعد از طوفان نمی توانند به ملّت خود برسند، گروه امدادگر به جای این که امداد بکنند اموال مردم را غارت می کنند. این حاکی از این است که این نظام های بشری و نظام های قبلی نجات گر نیستند بلکه یک ویترینی است که چیزهای زیبایی را در آن می گذراند تا چشم ما را بگیرد؛ امّا باطن چیز دیگری است.

عرضم را به آخر برسانم و چند دعا کنم.

اللهم صل علی محمّد و آل محمّد، اللهم ارزقنا توفیق الطاعه....

والسلام علیکم ورحمه اللّه وبرکاته

سخنرانی حضرت آیت اللّه العظمی صافی گلپایگانی دامت برکاته

نیمه شعبان ۱۴۲۵(ه.ق) مصادف با ۱۳۸۳(ه.ش)

اَللَّهُمَّ

كُنْ لِوَلِيِّكَ الحُجَّهِ بْنِ الحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلى آبآئِهِ فِی هـذِهِ السّاعَهِ وَفِی كُلِّ ساعهٍ وَلِيّاً وَحافِظاً وَقآئِداً وَناصِراً وَدَليلاً وَعَيْناً حَتّی تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً وَتُمَتِّعَهُ فِيها طَويلاً.

«وَلَقَدْ كَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحُونَ»(۳۳)

بنده این عید سعید و این عید بزرگ و بسیار باعظمت را حضور مبارک شما و همه شیعیان و منتظران ظهور آقا بقیهاللّه ارواحنا فداه و کسانی که در این ایام مهدویت و در این مراسم و با این برنامه های باشکوه در مجالس و محافلی که به عنوان تجلیل و تعظیم از سالروز ولادت حضرت منعقد شده است و اظهار علاقه، ارادت و شکر گزاری در باب آداب کردند، تبریک عرض می کنم.

این اعلام برنامه ها و حضور در این مراسمات، بسیار با اهمیت و ارزشمند است، این ها اعلام وجود، اعلام شخصیت و اعلام حضور برای یاری امام زمان علیه السلام است، اعلام پشتیبانی از قرآن و احکام قرآن، اعلام پشتیبانی از اسلام و دین و ایمان و سنت های اسلامی است. معانی و مفاهیم این برنامه ها به همین سادگی ها نیست، حضور در این مراسم در همه وقایع و سنت ها توسط شیعیان مؤمنی که با شور و اشتیاق از راه های دور، پیاده و سواره و با این حضور قلب؛ هم به خود ما، هم به جامعه مسلمان و شیعیان و هم به دنیا پیام دارد که ما هستیم و ما بر سر اثبات اسلام و ولایت و دفاع از مذهب ثابت قدم هستیم«إِنَّ الَّذِينَ قالُوا رَبُّنا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقامُوا»(۳۴) ما بر همان معنای دستوری این آیه شریفه اعلام وجود می کنیم.

در روایات این همه از کسانی که در زمان غیبت حضرت ایمان

خود را نگه می دارند و ثابت قدم می مانند تعظیم شده و ثواب ها و اجرها و مقامات و درجات بخشیده اند، برای همین است که این ثبات قدم در دین و حفظ شخصیت و هویت اسلامی - خصوصاً در این زمان که کفار می خواهند هویت اسلامی ما را ضعیف کنند، در میان جوانان می خواهند رخنه ای ایجاد کنند - باشد. این ها جواب آن کسانی است که در این زمان بر ایمان خودشان ثابت و استوار هستند.

در یک روایتی است (که خیلی این روایات اهمیت دارد) شماها که در این راه حدّ تعادل را نگه می دارید، اجر شهیدی از شهدای بدر و اُحد را دارید. خداوند متعال به کسانی که در این زمان سنت های اسلامی را حفظ می کنند، هویت دینی خودشان را نگه می دارند، به هر کدامشان ثواب هزار شهید از شهدای بدر و اُحد می دهد. نمی توانید تصور بکنید که شهادت در بدر و اُحد چقدر ثواب دارد و چقدر پیش خدا تقرب دارد.

یکی از شهدای بدر و اُحد حضرت حمزه سید الشهداعلیه السلام عموی پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله است، در این روایت خداوند ثواب و اجر زیادی برای کسانی که در این عصر که عصر تهدید و امتحان و تبعیض است، عابد بمانند و خود و اطرافیان خود را نگه بدارند و پشتیبانی از دین و احکام دینی بکنند، قرار داده است.

خداوند متعال در آن روایت کابلی می فرماید: «أن أحفظ زمان القائلین المنتظرین بظهوره.» این ها از هر زمانی واجب تر است امّا چه کسانی؟ به کسانی که حقیقتاً منتظر ظهور باشند، کسانی که ملتزم باشند.

متعهدانی که این هویت دینی خودشان را حفظ کنند، از هر هویتی بالاتر است.

یک شخصیت دینی و معنوی از هر شخصیتی بالاتر است، باید این را هم نگه بداریم و حفظ بکنیم. لذا حضرت رسول صلی الله علیه وآله در روایتی امام زمان علیه السلام را معرفی می کند و می فرماید: او کسی است که خداوند به دست او شرق و غرب را فتح می کند و دنیا به طرف حکومت او می رود.

بر طبق این روایتی که خداوند متعال امام زمان علیه السلام را از شیعیان خودش غایب می کند، آن قدر که ایمان به ولایت آن حضرت و هویت اسلامی کسی باقی نمی ماند مگر کسانی که خداوند دل آن ها را آزمایش کرده باشد.

باید افتخار کنید و خوشحال باشید که در این مراسم شرکت کرده اید و دم از ولایت امام زمان علیه السلام می زنید.

از برنامه هایی که باید ان شاءاللّه متوجه باشید، خصوصاً در این زمان آن است که می خواهند هویت اسلامی مردم را ضعیف بکنند و التزامات خواهران و برادران را درباره حجاب و مسائل دیگر از بین ببرند، کل این برنامه های اسلامی را کسی که منتظر است باید دقیقاً پیاده کند و به امر به معروف و نهی از منکر ملتزم باشد.

در روایتی حضرت رسول صلی الله علیه وآله به امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «ما اعمال برّ کلها والجهاد فی سبیل اللّه عند امر... .» تمام اعمال خیر را که انسان انجام بدهد و حتی جهاد در راه خدا، در پیش امر به معروف به قدر یک قطره آبی است در مقابل یک دریای بی پایان.

امر به معروف را نگه دارید، نگذارید که مناهی روی مناهی شایع بشود، تذکر بدهید مخصوصاً نهادها باید مواظب باشند.

امیدوارم خداوند متعال شما را برای مهدی قرار دهد. خداوند متعال همه ما را

بر این ایمان به ولایت حضرت ولی عصرعلیه السلام ثابت قدم بدارد و این شورها و این اشتیاق ها و این علاقه مندی های قلب را که الحمدللّه در این مردم عزیز ما، برادران و خواهران الحمدللّه وجود دارد زیادتر کند. این هم به واسطه توجه خود حضرت است، قلوب و دل ها به دست امام زمان علیه السلام است، از حضرت باید کمک بخواهیم، خداوند متعال این دل ها را به نور ولایت امام زمان علیه السلام منور بگرداند.

این مسجد مقدّس هم الحمدللّه امروز یک پایگاه بزرگی از پایگاه های دین و مذهب شده است که مذهب،دین و ولایت امام زمان علیه السلام از اینجا به تمام دنیا صادر خواهد شد.

خداوند متعال به همه شما اجر بدهد، به همه توفیق بدهد که در این امتحانات لغزش قدم پیدا نشود.

والسلام علیکم و رحمهاللّه و برکاته

سخنرانی حضرت آیت اللّه العظمی مکارم شیرازی دامت برکاته

نیمه شعبان ۱۳۸۳(ه.ش) مصادف با ۱۴۲۵(ه.ق)

اَللَّهُمَّ کُنْ لِوَلِیِّکَ الحُجَّهِ بْنِ الحَسَنِ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَعَلی آبآئِه فِی هذِهِ السّاعَهِ وَفِی کُلِّ ساعَهٍ وَلِیّاً وَحافِظاً وَقآئِداً وَناصِراً وَدَلِیلاً وَعَیْناً حَتّی تُسْکِنَهُ أَرْضَکَ طَوْعاً وَتُمَتِّعَهُ فِیها طَوِیلاً.

«وَلَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الْأَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحُونَ»(۳۵)

قبل از هر چیز لازم می دانم این شب عزیز را به همه شما عاشقان مهدی علیه السلام که از راه های دور و نزدیک به عشق آن حضرت حرکت کردید و خود را به این مکان مقدّس (مسجد جمکران) رساندید، صمیمانه تبریک عرض کنم.

من دقیقاً نمی دانم تعداد زائران این مسجد چه اندازه است، اما قریب به یقین صدها هزار نفر می شوند. شما عاشقان و علاقه مندان و شیعیان آن حضرت در این مکان مقدّس به عشق آن حضرت شرکت کردید؛ گوارا باد بر شما این توفیقی

را که خدا نصیب شما کرده است.

بسیاری آرزو می کردند امشب را در اینجا باشند ولی نتوانستند، ما به یاد آن ها هستیم و برای آن ها دعا می کنیم.

من در این فرصت کوتاه لازم می دانم مسئله مهمّی را درباره حضرت مهدی علیه السلام برای شما عرض کنم.

همه ما این روایت را از علما و بزرگان شنیده ایم که پیغمبر اکرم و ائمه هدی علیهم السلام در روایات متعددی این جمله را فرموده اند: «یملأ الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً»؛ خداوند روی زمین را به وسیله او از عدل و داد پر می کند همان طور که ظلم و ستم همه آن را گرفته باشد.

مردم دنیا از ظلم ظالمان خسته می شوند، قوانین بشری ناکارایی خود را نشان می دهد، به جای آن که مراکز جهانی، صلح و عدالت بیافرینند آلت دست ظالمان و غاصبان دنیا قرار می گیرند. بشر از ظلم و ستم خسته شده و خواستار فریادرسی از سوی خدا می شود. همزمان خداوند این بزرگوار را ظاهر می کند تا تشنگان عدل و صلح، مانند افرادی که در بیابانی گرفتار و تشنه اند و چشمشان به چشمه آب افتاده، به سوی آن حضرت روی می آورند.

بعضی از منافقان یا ناآگاهان و یا هر دو، گاه می گویند اگر ظهور مهدی علیه السلام بعد از آن است که دنیا پر از ظلم و جور شود پس چرا ما امر به معرف و نهی از منکر کنیم، چرا جلوی ظلم ظالمان را بگیریم، چرا مملکت اسلامی تشکیل بدهیم؟ یعنی جلوی ظلم را نگیریم تا دنیا پر از ظلم و فساد شود آن گاه حضرتش ظاهر شود.

عزیزان، برادران! مخصوصاً جوانان عزیز! ما اگر به قرآن مجید برگردیم جواب این سؤال در

آن دیـده می شود. ما در دو آیه از قرآن مجیـد می بینیم خدا به مؤمنانی که عمل صالح دارند وعده داده است که آن ها را در پرتو و زیر سـایه آن حکومت جهانی قرار دهـد، یعنی آیه «وَبَشِّرِ الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنّاتٍ تَجْرِی مِن تَحْتِها الْأَنْهارُ کُلَّما رُزِقُوا مِنْها مِن ثَمَرَهٍ رِزْقاً قالُوا هذَا الَّذِی رُزِقْنا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشابِهاً وَلَهُمْ فِیها أَزْواجٌ مُّطَهَّرَهٌ وَ هُمْ فِیها خالِدُونَ»(۳۶) درست است، حضـرت تنهـا نخواهـد بود و گروهی از صالحـان، مؤمنان، آگاهان، شـجاعان و مخلصان پیـدا می شونـد که آن حضـرت را یاری کننـد تا حکومت عـدل جهانی در سراسـر عالم فراگیر بشود. ظلم و فساد و جور به اندازه کافی هست ولی، «الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ» می خواهیم، گروهی باشـیم که مصـداق این آیه شـریفه و یـاران و یاوران و یاران آن حضرت باشیم، از همان ۳۱۳ نفری که شنیده ایم.

ما باید در رکاب حضـرت کار کنیم، در خط اول هزار نفر و در خط بعد ده هزار، خط بعد یکصد هزار، صدها هزار، میلیون ها نفر، در رکـاب حضـرت باشـیم و کـار کنیم تـا الـذین آمنوا منکم و عملوا الصالحـات، فراهم شود. در جای دیگر قرآن هم می گوید: «وَلَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الْأَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحُونَ»(۳۷) عبادی الصالحون باید تربیت و ساخته شود.

مـا امشب آمـده ایم در این مکـان شـریف تـا بـا آن حضـرت بیعتی تـازه کنیم، و در خـط الـذین آمنوا و عملوا الصالحات قرار بگیریم، و در گروه عبـادی الصـالحون و از بنـدگان صالـح خـدا بشـویم. عرض کنیم: خـدایا! آن گروهی که بایـد در خـدمت مهدی باشد آماده است. خدایا ظهورش را

نزدیک و مقدمش را برسان.

بنابراین جواب آن شبهه منافقان و ناآگاهان را دانستیم که از کجا مسئله باید دنبال شود.

برادران و خواهران! مخصوصاً جوانانی که به عشق آن حضرت امشب در این مسجد مقدّس اجتماع کرده اید! سعی کنید فاصله تان را با آن حضرت روز به روز کمتر کنید. در روایات داریم وقتی می فرمایند: آن حضرت دارای غیبت طولانی است.

سئوال می کنند: مردم از وجود امام غایب چه استفاده ای می کنند؟ امام صادق علیه السلام در چندین روایت می فرماید: همان استفاده ای که از آفتاب پشت ابر می شود، از وجود او پشت پرده غیبت استفاده می شود. لحظاتی در دنیاست که آسمان روزها و هفته ها ابر است، امّا شب و روز آن با هم فرق دارد، بله همان آفتاب پشت ابر ظلمت شب را از بین می برد. آفتاب پشت ابر گیاهان آن مناطق را پرورش می دهد، گل ها می روید، شکوفه ها باز می شود، میوه ها می رسند، انسان ها در حد حضور آفتاب پشت ابر زندگی می کنند. معنای آن این است الآن که آن حضرت پشت پرده غیبت است، نفوذی معنوی و حقیقی در جهان اسلامی دارد و یک منفعت عامّی برای همه هست «بیمنه رزق الوری وبوجوده...ثبتت الأرض والسماء.» به وجود او این عالم برقرار است و ایشان یک عنایات خاص معنوی به دوستان مخلصش دارد. یک وقت احساس می کنی قلبت روش شده است و حال مناجات پیدا کرده ای، حضور قلب پیدا کرده ای، آماده نماز شب شده ای، این از عنایات آن حضرت است که با نفوذ معنوی اش از پشت پرده غیبت در دل و جان این امت پیدا شده، این هم یک نوع ولایت تکوینی است.

بنابراین شرط ظهور این است که ما، در خودسازی بکوشیم

و هر روزی که از عمر ما می گذرد در ایمان قوی تر، معرفتی بهتر، اخلاقی روشن تر، اخلاصی بیشتر، عشقی سوزان تر نسبت به آن حضرت داشته باشیم و برگزار کنیم. ما نمی گوییم زمان ظهور حضرت است، کسی نمی تواند تعیین کند؛ امّا نشانه هایی می بینیم که امیدواریم ظهور نزدیک باشد.

یکی از آن نشانه ها همین مسجد مقدّس جمکران است، من فراموش نمی کنم اوائلی که ما به قم آمده بودیم، بلند می شدیم و پیاده می آمدیم اینجا، یک مسجد کوچکی بود که گاهی هم درش بسته بود در را باز می کردیم و می آمدیم توی مسجد، نماز می خواندیم، ظهر هم می ماندیم و عصر برمی گشتیم، گاهی چند نفر دیگر هم آمده بودند؛ امّا الآن ملاحظه می کنید چه شوری است. ما از قم حرکت کردیم بیاییم برای نماز، اگر ماشین پلیس و دستگاه و امکانات نبود اصلاً نمی توانستیم برای نماز به اینجا برسیم، بیابان پر از جمعیت هم آن جا اردو زده اند و هم اینجا آمده اند.

خدایا! آیا این همان مسجد جمکران ۴۰، ۵۰ سال پیش است؟ باش تا صبح دولتش بدمد که این هنوز از نتایج سحر است.

همان طور که مسجدی به نام حضرت است، جمعیتی به نام حضرت است خیابان ها به نام حضرت است، ظهور حضرت را در همه جا می بینیم، حالت ظهور صغرایی را مثل غیبت صغری و کبری، می بینیم، ان شاءاللّه این ظهور صغرایی، مقدمه ظهور کبری است.

برادران، عزیزان امشب که آمدید اینجا بدانید که زیارتتان قبول شده و حضرت شما را پذیرفته اند. با یک روحیه تازه برگردید، آدم نویی بشوید، از جمیع گناهان توبه کنید، خودتان را به خدا برسانید و در سایه حضرت مهدی علیه السلام قرار بگیرید. شب می خوابید درود بر او

بفرستیـد، صـبح که بیـدار می شویـد درود بر او بفرستید، وارد محل کسب و کارتان می شوید درود بر او بفرستید، شب و روز نگذرد مگر به یاد آن حضـرت باشید، بهره بگیرید، نورانیت آن حضرت از پشت پرده غیبت بر دل های شما چگونه پرتو افکن می شود؟

الآن تولیت محترم مسـجد، حجت الاسـلام والمسـلمین آقای وافی می گفتند: آمارگیران مشغول گرفتن آمارند به نظر می رسد سال ۱۳۸۳ – حدود ۱۶ میلیون نفر زوار در این مسجد مقدّس جمکران آمده باشند.

عجیب است خانه خـدا با آن عظمت فقط در سال حدود ۸ میلیون زوار دارد، امّا این مسـجد در پرتو نام آن حضرت ۱۶ میلیون زوار! هرچه زائران بیشتر می شوند، مردم بیشتر می آیند، چون حضـرت مهدی علیه السـلام متعلق به تمام مسـلمین جهان است، دشـمنان شـیعه و مکتب اهل بیت علیهم السـلام و دشـمنان خود اسـلام هم ناراحت تر می شوند و لذا باید خیلی مراقب باشـیم، نقطه ضعف ندهیم.

من بیش از این نمی خواهم شـما را در این شب عزیز معطل کنم ولی سـعی کنید برای مشـکلات جهان اسـلام دعا کنید، برای مردم مظلوم عراق، برای مردم مظلوم فلسطین، برای مردم مظلوم افغانستان، برای مردمی که در گوشه و کنار جهان در زیر فشار چکمه های زورمندان غاصب و جنایتکار و ضد بشر قرار دارند، برای همه آن ها دعا کنید. برای ظهور حضرت دعا کنیم، برای این جوانان عزیز ما که تحت بمباران تبلیغات دشـمنان قرار گرفته اند، دعا کنید از شـر اشـرار در امان بمانند. اگر این جوانان را از ما بگیرند همه چیز ما را گرفته اند، امام زمان علیه السلام را هم می گیرند آن قدر که این ها در صف اول مدافعانند.

من چقدر لذت می برم وقتی می آیم

به زیارت می بینم اکثر زوار، پسران و دختران جوان هستند، قلب پاکی دارند، با حضرت بهتر می توانند رابطه برقرار کنند.

در اینجا لازم می دانم در پایان عرایضم از تمامی کسانی که برای برنامه های امشب و این شب ها زحمت کشیده اند، تمام مسئولین شهر قم از چند هفته قبل بسیج شده اند، تولیت محترم مسجد، کارکنان مسجد، افرادی که خدمت گزاران افتخاری هستند، من از همه آن ها به سهم خودم تشکر می کنم و امیدوارم همه جایزه شان را امشب از دست حضرت دریافت بدارند، امیدوارم همه شما را حاجت روا شده، سالم به وطنتان برگرداند.

والسلام علیکم و رحمهاللّٰه و برکاته.

متن سخنرانی حضرت آیت اللّٰه جوادی آملی دامت برکاته

نیمه شعبان ۱۴۲۵(ه.ق) مصادف با ۱۳۸۳(ه.ش)

اَللَّهُمَّ کُنْ لِوَلِیِّکَ الحُجَّهِ بْنِ الحَسَنِ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَعَلی آبآئِه فِی هذِهِ السّاعَهِ وَفِی کُلِّ ساعهٍ وَلِیّاً وَحافِظاً وَقآئِداً وَناصِراً وَدَلِیلاً وَعَیْناً حَتّی تُسْکِنَهُ أَرْضَکَ طَوْعاً وَتُمَتِّعَهُ فِیها طَوِیلاً.

بحث کوتاه، بین دو نماز درباره انتظار و وظیفه منتظران است. مخصوصاً این که در جمع ما، رزمندگان وفادار اسلام و لشکر پرقدرت ۱۷ علی بن ابی طالب علیه السلام هم حضور دارند.

مطلب اول این است که جریان انتظار، یک امر عمومی است.

تمام بشر و تمام جوامع، منتظر روزی هستند که عدل، گسترده شود؛ امّا ما شیعه ها گذشته از این معنای عمومی، منتظر کسی هستیم که معدوم نیست و برای ما حاضر است، ما غایبیم و او غایب نیست. ما منتظر ادراک مهدی موجود موعودعلیه السلام هستیم؛ پس این فرق اساسی بین اسلام ما و اسلام سایر جوامع است.

مطلب دوم این که اگر ولی ما موجود و حاضر است و ما حضور نداریم، انتظار ما در سایه موافقت، محاسبت و مواظبت است و ما باید مراقب خود باشیم که

او ما را می بینـد و اعمال ما را مرور می کنـد. باید رابطه خود را، انجام وظایف خود را طوری که اهل بیت علیهم السـلام تأیید کنند محاسـبه کنیم و با آن ارتباط تنگاتنگ داشـته باشـیم. ذیل آیه شریفه «یأَیُّها الَّذِینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصابِرُوا وَرابِطُواوَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ»(۳۸)

پس اصل اول، آن شد که ما به مهدی موعود معتقدیم.

اصل دوم آن است که مهدی موجود است و عالم به غیب و اسرار الهی است. باید مراقبت شود، هم مواظب باشیم هم محافظ.

اصل سوم آن است که ما منتظریم که او بیاید و عدل را در جهان گسترده کند؛ جهانی که می بینیم به بهانه دمکراسی در شرق ایران، افغانسـتان را می گیرنـد و در غرب ایران عراق را متحول می کنند و در آن طرف، فلسـطینی ها را از پا در می آورند. ما منتظر ظهور کسی هستیم که در خدمت او عدل را جهانی کنیم.

اگر منتظر ظهور مهدی موجود موعودعلیه السلام هستیم باید ببینیم جد بزرگوارش در تشکیل حکومت اسلامی چه کرد.

وجود مبارک رسول گرامی اسـلام صـلی الله علیه وآله قبل از آن که وارد مدینه شوند و حکومتی تشـکیل بدهند در قبا مسجد ساختنـد که نمازگزاران آن مسـجد تنها اهل نماز نبودنـد «فِیهِ رِجالٌ یُحِبُّونَ أَن یَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ یُحِبُّ الْمُطَّهِّرِینَ»(۳۹) بلکه مردانی بودنـد که عبـادت و طهـارت را دوست داشـتند؛ پس نماز خوان، منتظر ظهور حضـرت نیست حتی کسـی که آدم خوبی است، آدم قانعی است اما از ترس جهنم، این منتظر نیست. کسـی که به عـدالت عشق می ورزد و دوسـتدار عدالت است، نه آدم بدی است نه آدم خوبی و خوبی را برای ترس از جهنم تحصیل نکرده است بلکه علاقه مند

به خوبی است، یک هم چنین کسی منتظر ظهور است، یک هم چنین کسی در قرآن مطرح می شود «فِیهِ رِجالٌ یُحِبُّونَ أَن یَتَطَهَّرُوا».

یکی از مراکزی که می تواند دوست پرور باشد همین مسجد است. هرجا به نام ابا صالح المهدی ارواحنا فداه است کسانی در آن تربیت می شوند که دوستدار اهل بیت اند.

اصل بعدی آن است که چون عترت طاهرین علیهم السلام با قرآن هماهنگ اند و خدای سبحان، قرآن و درس های قرآنی را حیات بخش معرفی کرد و فرمود: اگر بخواهید زنده شوید قرآنی فکر کنید، و قرآنی عمل کنید چون امامت و قرآن براساس حدیث ثقلین با هم می باشند و اگر کسی خواست زنده شود باید اهل امامت باشد، با مهدویت رابطه پیدا کند و امامت را بشناسد، زیرا در سوره انفال هم آمده است «یأَیُّها الَّذِینَ آمَنُوا اسْتَجِیبُوا للَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعاکُمْ لِما یُحْیِیکُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ یَحُولُ بَیْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَیْهِ تُحْشَرُونَ»(۴۰) یعنی دعوت قرآنی شما را زنده می کند.

نقل از زبان رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله آمده است: «من مات ولم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیه». منتهی این حدیث در زبان منفی، آن آیه به لسان مثبت است.

در این حدیث آمده است: هر که امام را بشناسد زنده است، نشناسد مرگ جاهلی دارد. در این آیه آمده است: اگر کسی بخواهد زنده شود باید قرآنی فکر کند؛ یعنی قرآن عامل حیات بخش است، امامت عامل حیات بخش است، اگر این دو امر جدای از هم بودند ممکن بود کسی بگوید «حسبنا کتاب اللّه» و زنده بماند، یا بگوید «حسبنا الامام» و زنده بماند، ولی چون «لن یفترقا» آمده هرگز از هم جدا نیستند، قرآن

بـدون امـامت نخواهـد بود، امامت هم بـدون قرآن نخواهـد بود. این دو یک خانواده هسـتند و حیات بخش، حیات ما در سایه عمل به قرآن و دستور امام که پیوند با امامت است «اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعاكُمْ لِما يُحْيِيكُمْ» است و «من مات ولم يعرف امام زمانه مات ميته جاهليه» هم امامت قابل حیات است هم قرآن کریم.

مهمترین راه این است که ما دوست برای آن باشـیم تا زنـده بشویم، وقتی دوست شدیم قرآن ما را زنده می دارد؛ منتهی ما می توانیم در ظهور آن حضرت و گسترش حکومت عدل جهانی خدمات صادقانه ای را ارائه دهیم.

مطلب پایانی عرضم این است که قرآن کریم زمینه حکومت وجود مبارک رسول گرامی صـلی الله علیه وآله را مسـجد دانست تا مردم را با فرهنگ دین آشـنا کند. وجود مبارک حضرت ولی عصر – ارواحنا فداه – جهان را پر از عدل و داد می کند امّا با کدام سـرمایه، و چطور مردم عادل می شوند؟ مگر الآن حکومت اسـلامی نداریم، مگر اکثریت مردم این سـرزمین شیعه نیستند امّا شـما می بینید مشکلات فراوانی در دولت و ملت یافت می شود، این معصیت ها چیست؟ اگر همه ما تشنه عدل بودیم دیگر مشکلی پیش نمی آمد. این مشکلات و آلودگی هایی که احیاناً جمع ما گرفتار آن است چیست؟

وجود مبارک حضـرت ولی عصـر – ارواحنا فـداه – با چه قـدرتی جهان را از عدل و داد پر می کنند، با کشـتن؟ الآن که مردم جهان ۷ میلیارد است اگر یک میلیارد آن را بکشـند آن شـش میلیارد دیگر آدم می شوند؟ تازه اول ترور است، اول خونریزی است و اگر از این هفت میلیارد ۴ میلیارد را بکشند سه میلیارد

باقی مانده آدم می شوند؟ هرگز ممکن نیست، وجود مبارک حضرت ولی عصر ارواحنا فداه با چه وسیله ای پیروز می شوند و «یملاء الارض قسطاً وعدلاً» با فشار، با کشتن، یا با عدل و فهم و فرهنگ. معجزه اول آن است که مردم را عاقل می کنند، آدم می کنند آن وقت است که جامعه عاقل، عدل پرور است.

والسلام علیکم و رحمه اللّه و برکاته

متن سخنرانی حضرت آیت اللّه مصباح یزدی دامت برکاته

قسمت اول

نیمه شعبان ۱۴۲۵(ه.ق) مصادف با ۱۳۸۳(ه.ش)

اَللَّهُمَّ کُنْ لِوَلِیِّکَ الحُجَّهِ بْنِ الحَسَنِ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَعَلی آبآئِهِ فِی هـذِهِ السّاعَهِ وَفِی کُلِّ ساعَهٍ وَلِیّاً وَحافِظاً وَقآئِداً وَناصِراً وَدَلِیلاً وَعَیْناً حَتّی تُسْکِنَهُ أَرْضَکَ طَوْعاً وَتُمَتِّعَهُ فِیها طَوِیلاً.

فرا رسیدن این عید عظیم را به پیشگاه مقام معظم رهبری، مراجع تقلید و همه منتظران ظهور آن حضرت تبریک و تهنیت عرض می کنیم و از خدای متعال تقاضا می کنیم عیدی این عید بزرگ را تعجیل در فَرَج آن حضرت قرار بدهد.

خدا را شکر می کنیم که معرفت به اسلام و اهل بیت علیهم السلام و مخصوصاً محبّت به وجود مقدّس حضرت ولی عصر – ارواحنا فداه – را به همه ما ارزانی داشت و هدایت و مودّت این خاندان را در اعماق دل ما ثابت کرد.

تحقیقاً بخشی از موفّقیت های یک جامعه، مرهون فداکاری های مردمی است که در راه برقراری نظام اسلامی، از بذل جان و مال و آبروی خودشان مضایقه نکردند و این گرایش عظیمی که در سراسر جهان و در همه اقشار کشور اسلامی خودمان نسبت به اهل بیت علیهم السلام و این مکان مقدّس می باشد را به وجود آوردند. همین جا، جا دارد که همه برای روح امام عزیزمان و تمام شهیدانی که در راه برقراری نظام اسلامی تلاش کردند دعا

کنیم و همچنین طول عمر ،عزّت، قدرت و شوکت مقام معظم رهبری را از خدای متعال درخواست کنیم.

الحمـدللّه به برکت معـارفی که از اهـل بیت علیهم السـلام به ما رسـیده و با تلاش های علما و بزرگان و قـدما و نویسـندگان و سخنوران در اختیار ما قرار گرفته، نسـبت به شخصیت امام زمان علیه السلام معلومات خیلی خوبی داریم. جای آن دارد که من در این فرصت کوتاه درباره تاریخ آن حضرت و بحث های شبه تاریخی بپردازم.

بیشترین چیزی که امروز جوانان ما به آن نیاز دارنـد؛ تبیین معارف اسـلامی است که باعث تقویت ایمانشان می شود و در سایه این معارف وظایف خودشان را بهتر می شناسند.

یکی از مفـاهیمی که مـا از دوران طفولیت بـا آن مفهوم انس گرفـتیم و از مفـاهیم خـاص مـذهب شـیعه تلقی می شود، مفهوم انتظار فَرَج است.

همه ما این روایت را شـنیده ایم که «أفضل أعمال أمّتی انتظار الفرج»؛ بالاترین اعمال مردم انتظار فَرَج است» و مضامین دیگری از این قبیل که همه شـما بارها شـنیده اید و احتیاج به تذکر ندارد، امّا به گمان من بسیاری از جوانان ما مفهوم روشنی از انتظار فَرَج ندارنـد. یـک وقت می گوییم مفهوم انتظـار فَرَج آن حضـرت روشن است و آن را می فهمنـد؛ امّا چرا واژه انتظار فَرَج که بالاترین عبادت است انتخاب شـده، چرا این همه راجع به این مفهوم تأکیـد شده، چگونه باید انتظار فَرَج داشت، چه ارتباطی با وجود مقدّس امام زمان علیه السلام دارد، چرا این بالاترین عبادت است؟

این سـئوالاتی است که شایـد در ذهن بسـیاری از جوانان ما باشـد؛ خواه اظهار و مطرح بکنند یا به دلایلی از کنارش بگذرند و چون جبر مسلمی است همین طور

در بسته و سربسته بماند، ولی چون دورانی که ما در آن زندگی می کنیم دوران تشکیکات و ایجاد شبهات است، ما نباید هیچ مفهوم و مطلبی را تمام شـده تلقی کنیم و بگوییم دیگر احتیاج به بحث نـدارد؛ البته شاید برای کسانی که چند دهه از عمرشان گذشـته و در مکتب اهل بیت علیهم السـلام پرورش پیـدا کرده انـد و از انواع معارف اسـلامی بهره منـد شـده انـد، این مطالب برایشان تکراری یا زاید تلقی شود، امّا ما با نسلی مواجه هستیم که در معرض آسیب های فراوان است و اگر آن ها این معارف را نیاموزنـد و درست باور نکننـد و نتواننـد اثبات کنند آینده اسـلام و نظام اسـلامی در خطر خواهد بود، چون سالمندان دیر یا زود از این عالم خواهنـد رفت، این تعارف هم برنمی دارد و این جوان ها هستند که جای ما را خواهنـد گرفت. آن ها هسـتند که بایـد از باورها و ارزش های اسـلامی دفاع کننـد لذا اگر تعلیمات عمیقی در این باره ندیده باشـند و مفاهیم روشن و دلایل روشـنی برای اثبات آن ها نداشـته باشـند، با ایجاد تنها یک تشـکیک و ایجاد شـبهه ای ایمانشان را از دست می دهند، مبتلا به شکّ می شوند و شک هم ایمان باقی نمی گذارد.

به این خاطر است که یک مقدار درباره این مفهوم صحبت می کنیم ولی ناچاریم برای آن که این مفهوم روشن بشود، منظومه فکری خودمان را درباره امامت؛ خصوصاً امامت ولی عصر - ارواحنا فداه - و غیبت ظهور آن حضرت مرور بکنیم.

مـا چیزهـای پراکنـده ای را می شـنویم و مطمئن هم هستیم که جـدا گانه این مطالب درست است، امّا ارتباط بین این ها برقرار کردن و این ها را به صورت یک منظومه،

به صورت یک سیستم ملاحظه کردن، یک تلاش مضاعفی می خواهد.

اصلاً امام برای چه آمده است و چرا امامان ۱۲ نفر هستند وچرا ۱۱ تن از ایشان حیات پشت سرهم داشتند، چرا دوازدهمی از آن ها غایب شد، چرا این یکی هم مانند آن ها در میان مردم نبود؟

حالا ـ بعد از آن که امام دوازدهم غایب شده چه ارتباطی با ما دارد، ما چه ارتباطی با او برقرار کنیم و وظیفه ما در این زمان چیست؟ آن وقت نوبت به این می رسد که ما در این زمان باید انتظار فَرَج داشته باشیم و اگر بخواهیم بفهمیم که انتظار فَرَج یعنی چه و در این زمان ما چه وظیفه ای داریم؛ باید به هدف امامت و ظهور آن حضرت توجه کنیم که اصلاً خداوند چرا امام تعیین نموده و برای چه امام غایب قرار داد و چرا بعد از یک زمانی ظهور خواهد کرد و هدف او از ظهور چیست؟

همه اینها جواب های اجمالی در ذهن ما دارد و من از کسانی که سال ها در مکتب اهل بیت علیهم السلام پرورش پیدا کرده اند و جواب این ها را تفصیلاً می دانند معذرت می خواهم، امّا علاقه دارم که در همه زمینه ها آنجایی که افراد در معرض شبهات قرار دارند عرض کنم که؛ اصل فلسفه امامت برای این است که خدای متعال بعد از فرستادن پیغمبر اسلام صلی الله علیه وآله که پیغمبر خاتم بود؛ یعنی دیگر پیامبری نخواهد آمد و از فرط لطف و کرمش برای بهره مردم در سالیان دراز و قرون متوالی تا به کمال برسند کسانی را به عنوان وصی و جانشین پیغمبر قرار داد که همه چیزشان مثل پیغمبر است تا بدون دریافت وحی

نبوت و رسالت بتوانند همان حرکت پیغمبر را تکمیل بکنند و به همین دلیل است که در روز غدیر این تعبیر به کار رفت «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ»(۴۱)

فلسفه اصلی امامت، به کمال رساندن دین است و اگر مسئله امامت نبود دین به کمال نمی رسید.

در اراده و علم الهی گذشته بود که برای به کمال رساندن دین، وجود ۱۲ معصوم ضرورت پیدا می کند و خداوند دستان تکوین را آن چنان منظم فرموده بود، چون کسی که به این چنین مقامی می رسد یک شرایط تکمیلی می خواهد. این طور نیست که خداوند یکدفعه به یک نفر مسئولیت بدهد و بگوید تو پیغمبر یا امام باش، بلکه شرایط تکمیلی می خواهد؛ از نظر تیپ ولایت و از نظر عوامل ارثی باید شرایط جسمی و روحی ای داشته باشد که صلاحیت درک وحی یا علم نبوّت را داشته باشد و کار هرکس نیست.

خدای متعال در نسل حضرت زهراءعلیها السلام چنین استعدادی را قرار داد که ۱۱ نفر از فرزندان آن حضرت این استعداد را داشته باشند که به مقام امامت نایل شوند؛ یعنی مقامی مثل مقام پیغمبرصلی الله علیه وآله بدون درک وحی نبوت، چون اراده الهی بر این قرار گرفته بود که پیغمبر اسلام خاتم الانبیاءصلی الله علیه وآله باشند.

ما شیعیان بحمداللّه واقف هستیم که ائمه معصومین علیهم السلام از امیرالمؤمنین علیه السلام گرفته تا امام یازدهم علیه السلام در طول دو قرن چه خون دل هایی خوردند و چه تلاش هایی کردند تا بتوانند معارف حقّه اسلام را به نسل های آینده در نقاط مختلف کشورهای اسلامی برسانند. تدبیرهای بسیاری شده که خیلی از آن ها را ما درست تبلیغ نکرده ایم که چه چاره هایی اندیشیده بودند تا معارف اسلامی

در اقصی بلاد عالم منتشر شود. این پخش شدن امام زاده ها در نقاط مختلف، بی برنامه و بی هدف نبوده است.

به هر حال با تـدبیرهایی که اندیشـیده و زحماتی که کشـیدند، کاری کردنـد تا معارف حقه اسـلام که در مکتب تشیّع متبلور است تا آن جا که ممکن است به همه بلاد برسد.

این کار انجام گرفت ولی هدف دیگری که در برقراری یک نظام حکومتی عادلانه به دست امام معصوم باشد، مشـروط بود به پـذیرش مردم، البته تا آن جا که مربوط به وظایف خود ائمه اطهارعلیهم السـلام می شد، تمام تلاشـشان و در مواردی با تقدیم خون های پاک خود و عزیزان شان این وظیفه را انجام دادند و معارف اسـلام را منتشـر کردند؛ امّا برقراری یک نظام حکومتی اسلامی، تنها وظیفه شخص امام نبود و یک شرایط اجتماعی و پذیرش مردمی می خواست.

امام یک نفر است و اگر بخواهـد یک ملت چنـد صـد میلیونی را اداره کند، تنها قدرت خودش کافی نیست، مگر یک قدرت غیبی اعجازآمیز باشـد که سـنت الهی در هـدایت مردم و اقـدام چنین اعجازهایی هم در مقام عملی نیست. پس هر وقت مردم آمادگی پیدا کردند که حکومت امام معصوم علیه السلام را بپذیرند او هم وظیفه اش این است که این کار را عهده دار شود و در مقام تصدی برآید.

آن خطبه معروف امیرالمـؤمنین علیه السـلام را همه شـنیده ایـد که «لولا ـ حضور الحاضـر وقیـام الحجه بوجود الناصـر و ...» می فرماید: این که من متصدی حکومت شدم به خاطر این است که وقتی مردم حاضـر شدند و هجوم آوردند و با من بیعت کردند من دیگر حجتی نداشتم که از قبول امامت سر باز بزنم.

بیعتی که با

امیرالمؤمنین علیه السلام شد در طول تاریخ اسلام بی نظیر بود چنان که خود حضرت می فرماید: نزدیک بود حسنین در زیر دست و پا له شوند. این طور مردم حاضر شدند تا بیعت کنند، وقتی من ناصر(یاری کننده) داشتم دیگر حجت بر من تمام است و نمی توانم خودداری کنم. «وعلی العلماء ان لایقارّوا... .» در درجه اول این وظیفه عالمان است، عالمان،ائمه معصومین علیهم السلام که در مقابل ظلم ستمگران آرام نگیرند. پس برای این که حق مظلومان گرفته بشود به سبب کمکی که مردم به من می کنند، بر من واجب شده که دیگران را رهبری کنم.

البته همه می دانیم که این نصرت و یاری و حمایتی که مردم از امیرالمؤمنین علیه السلام کردند چقدر دوام داشت، بالاخره ۴ سال و ۹ ماه حکومت حضرت به جنگ هایی گذشت. وقتی هم که نوبت به سایر ائمه علیهم السلام رسید، همین اندازه بیعتی که با امیرالمؤمنین علیه السلام کردند با سایر ائمه نکردند، چرا؟ علتش بماند، چون جای بحثش اینجا نیست، البته جا دارد که ما دقیقاً ببینیم اگر ما جای آن ها، جای اصحاب امام حسن، امام سجاد،امام باقر و امام صادق علیهم السلام بودیم آیا با آن ها، آن چنان که باید با علی علیه السلام بیعت کنند، بیعت می کردیم؟ یا ما هم به همان دردها مبتلا هستیم؟ توجه دارید که جای تأمل دارد و حال بحث آن را مطرح نمی کنیم.

هر کس کلاه خودش را قاضی قرار دهد، خداوند یازده امام، یکی پس از دیگری که هر کدام وجودشان، یک تار مویشان به همه عالم می ارزید و گهرهای گرانبهایی بودند را در اختیار مردم قرار داد تا سعادت دنیا و آخرت مردم را تضمین کنند، ولی قدر ندانسته و

گفتند: دلمان می خواهد خودمان انتخاب کنیم و می خواهیم که حکومتمان دمکراتیک باشد،

قسمت دوم

نمی خواهیم خـدا بر مـا فرض کنـد. بالاـخره انتخاب مردم همین بود که ملاحظه فرمودیـد؛ مثلاً به اینجا رسـیده که من و شـما امروز داریم زنـدگی می کنیم و هر چه بیشتر به معـارف اهـل بیت علیهم السـلام نزدیـک شویم بهتر می توانیم از برکـات این خانواده استفاده کنیم و قاعدتاً هر چه دورتر شویم از آن برکات محروم تریم.

نوبت رسـید به امـام دوازدهم؛ اگر امـام دوازدهم هم مثـل سـایر ائمه علیهم السـلام در میـان مردم حضور پیـدا می کرد، همـان سرنوشتی را داشت که پـدرانش داشـتند. زمان تفاوتی نکرده بود و شایـد بـدتر هم شـده بود. این بود که خـدای متعال از باب رحمت واسعه اش، وجود او را برای روزگاری که مردم صلاحیت امامت او را داشته باشند ذخیره کرده است. و این پیش بینی شـده بود که بالاخره مردم در اثر سـختی هایی که در طول قرن ها می کشـند، به هر دری می زننـد و دنبال هر صـدایی راه می افتنـد ولی بالاـخره همه جا سـرشان به سـنگ می خورد و از همه راه ها ناامیـد می شونـد، آنجاست که مردم آمادگی پیـدا می کنند تا این که ندای داعی الهی را پاسخ گویند و حکومت او را بپذیرند؛ آن وقت است که حضرت تشریف خواهند آورد.

امّا زمان آن رازی است که هیـچ گاه افشا نشـده و نخواهـد شد، البته آن هم حکمت هایی دارد که همه شـما کم و بیش با آن آشـنا هستیـد. اگر تشـریف فرمایی ایشان در تاریـخ معینی بود، مردم آن اهتمامی که بایـد برای فعالیت اختیاری خودشان انجام بدهند و در خودشان چنین آمادگی ایجاد کنند انجام نمی دادند و می گفتند: در آن زمان کارها

درست می شود، همان طور که کم وبیش بعضـی از نسل های ما همین حرف ها را می زننـد و می گویند: آقا خودش می آید و کارها را درست می کند، از ما کاری برنمی آید.

امّا اراده الهی بر این بود که مردم بـا اختیـار و انتخـاب خودشان راه صـحیح را شـناسایی کننـد و بپیماینـد و هر کس به انـدازه توانش قدمی در این راه بردارد تا به برکاتش نایل بشود.

به هر حـال بـاتوجه به فلسـفه وجود امـامت و غیبت امـام، بایـد بـدانیم فَرَج یعنی چه و چکار بکنیم که از این تلاش برای فَرَج، بیشتر بهره مند شویم.

فَرَج؛ گشایشـی است که بعـد از تنگنا حاصل می شود، وقتی انسان در زنـدگی فردی در یک شـرایط خاص قرار می گیرد، در یک تنگنایی که احساس می کنـد درها به روی او بسـته شـده و راه فرار و نجاتی ندارد؛ اگر یک روزنه ای باز بشود که بتواند از آن نجات پیدا بکند، به آن فَرَج می گویند.

فَرَج؛ به معنای گشایش است، و کم و بیش در زندگی همه ما چنین چیزی اتفاق افتاده، گاهی شرایط سخت و مسائل غم انگیز و گرفتـار کننـده، آن چنـان اطراف مـا را گرفته که راه نجات برای خودمان نمی بینیم ولی خـدای متعال یک راهی باز کرده و فرجی رسانـده است، این گرفتـاری هـا گـاهی گرفتـاری شخصـی است که برای هر کس در هر زمانی پیش می آیـد. حتی در زمـان حضور امـام چنین گرفتـاری هایی برای اشـخاص پیش می آیـد، این انتظار فَرَج یعنی امیـد به رفع گرفتاری ها و امیـد به رحمت الهی که بزرگ ترین عامل در سازندگی و حرکت و فعالیت و نشاط انسان است.

اگر انسان در زندگی اش امیدی نداشته باشد تلاش نخواهد کرد، آدم افسرده و

ناامید از همه چیز، یک گوشه ای می نشیند و دست روی دست می گذارد و زانوی غم بغل می گیرد و هیچ کاری نمی تواند انجام بدهد، اگر روزنه امیدی به دلش باز شود آن وقت است که حرکتی در دلش پدید می آید، آن را دنبال می کند بلکه به نتیجه ای برسد.

پس اصل این که انسان باید امیدوار باشد، امید به فَرَج داشته باشد، امید به گشایش بعد از شدّت و سختی داشته باشد، این لازمه ایمان است، فلذا «یأس من روح اللّٰه یأس من رحمه اللّٰه» یأس از گناهان کبیره است که در آیات و روایات به آن اشاره شده است. و یکی از بزرگ ترین گناهان این است که انسان از رحمت خداوند ناامید شود، این از بدترین گناهان است و طبعاً در مقابلش، داشتن امید به خداوند از بهترین عبادت ها خواهد بود. امّا این فَرَج شخصی باز هم به وسیله امام برای انسان حاصل می شود، این نتیجه توسلاتی است که چه در زمان ظهور امام علیه السلام چه در زمان وجود و حضور پیغمبرصلی الله علیه وآله میسر باشد کسانی برای گرفتاری های شخصی شان؛ اعم از مادی و معنوی توسل پیدا می کنند.

البته گرفتاری های مهدویت از سخت ترین گرفتاری هاست، خدا نکند کسی مبتلا شود به شک هایی که آدم را احاطه می کند و راه ایمان و نور ایمان را از انسان می گیرد، بسیار بلای سختی است.

به هر حال در مقابل تنگناهای مادی و معنوی، یکی از بهترین راه ها برای نجات، توسل به وجود مبارک پیامبر اکرم و ائمه اطهارعلیهم السلام است که خود یک باب مفصلی است که حال نمی توانیم وارد آن شویم.

مسئله توسل، در حقیقت پشتوانه مضاعف دارد، خدای متعال یک مطلب فرموده

«اُدْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکَمْ»(۴۲) این یک ضـمانت است امّا وقتی دعا می کنیم و متوسل به وجود مبارک رسول اکرم صلی الله علیه وآله می شویم «أتوجه إلیـک بنبیّک نبیّ الرحمه» و پیامبرصـلی الله علیه وآله به خاطر توسل و درخواستی که از ایشان می کنیم برای ما دعایی می کنند؛ چون پیامبر اکرم صـلی الله علیه وآله کریم تر از آن هستند که کسی به در خانه شان به گدایی برود و به او توجه نکنند.

مـا وقتی توجه و توسـل به آن هـا می کنیم آن هـا هم برای مـا دعـا خواهنـد کرد، این است که از راه توسـل، دعـا نیز پشـتوانه مضاعف پیدا می کند و این وعده الهی است که «ادعونی اسـتجب لکم» هم وعده اسـتجابت دعای پیغمبر که مسـتجاب الدعوه است، اگر دعاهای ما شرط و شروطی دارد استجابت دعای پیغمبر و امام که شرط و شروط ندارد.

وقتی متوسل می شویم، دعای خودمان را با یک پشـتوانه مهم تری تقویت می کنیم. کسانی فکر نکنند توسل یک راهی اسـت غیر از دعا، توسل همان دعاست با تقویت پشـتوانه اش و راهی غیر از درخانه خدا رفتن نیست. پیامبر و ائمه اطهارعلیهم السـلام که بازار دیگری غیر از بازار خـدا ندارنـد، یک مغازه دیگری ندارنـد، کار آنان دعوت به خداست، آشـنا کردن مردم به خدا، گرفتن رحمت از خـدا و رساندن به بندگان است. بدانید که راه یکی بیشتر نیست و آن راه هم در خانه خداست. منتهی از این راه که می رویم با وجود توسل، ضـمانت به نتیجه رسیدنش بیشتر می شود، از دعای خودمان وعده اجابت داریم و وقتی توسل می کنیم پیغمبر نیز برای ما دعا می کند و با دعای آن ها قطعاً ارزش کار بیشتر می شود. به هر

حال انتظار فَرَج شخصی، از باب توسل است.

از زمان ظهور پیغمبر و امام و چه در زمان غیبت ایشان توسلاتی بوده که حتی به امامزاده ها، به اولیای خدا و بندگان صالح می شده و همه این ها به خاطر آن است که یک دعا کننده دیگری هم پیش خدا پیدا می کنیم.

همین جا یک نکته ای یادم آمد دریغم آمد نگویم، ممکن است برکاتی در آن باشد؛ یکی از مراجع بزرگ رحمه الله می فرمودند: کسی در خواب دید از مقام حضرت معصومه علیها السلام سئوال کرد که آیا حضرت معصومه علیها السلام برای همه مردم شفاعت می کند یا فقط برای مردم قم شفاعت می کند؟ حالا- بگویید یا خواب عرفانی یا مکاشفه، در جواب فرمودند: حضرت معصومه علیها السلام برای همه مردم شفاعت می کند و برای شفاعت مردم قم میرزای قمی کافیست.

می خواهم عرض کنم حتی توسل به عالمان بزرگ و بندگان خالص خدا هم می تواند برای ما مفید و کارساز باشد، غافل نشوید از وجود علما و بزرگان در گوشه و کنار شهرمان و همچنین امامزادگان عزیزی که در گوشه و کنار هستند. احترام به آن ها و توسل به آن ها باعث می شود که دعاهای شما پشتوانه معتبرتری پیدا کند، این انتظار فَرَج شخصی است؛ یعنی با توسل و دعا کردن منتظریم تا فرجی برای شخص خودمان پیدا شود.

امّا یک انتظار فَرَج عمومی و کلی هم داریم، همان که در زمان غیبت مورد توجه است و بالاترین عبادت در این زمان شمرده می شود.

یک اصطلاح دیگری را عرض بکنم، فرجی که برای جامعه اسلامی حاصل می شود می توانیم بگوییم مراتب دارد؛ یک فَرَج مطلق و یک فَرَج نسبی. فرجی که برای جامعه اسلامی حاصل می شود فرجی است که

همه جهان را فرا می گیرد و هیچ منطقه ای، از برکات آن فَرَج محروم نمی ماند و آن فرجی است که به دست مبارک شخص حضرت بقیهاللّه -ارواحنا فداه- بعد از ظهورشان حاصل می شود و البته ما باید انتظار فَرَج را داشته باشیم و مقتضی این انتظار هم رفتارهای خاصی است که اگر فرصتی بود به برخی از آن اشاره می کنیم ولی غیر از این انتظار فَرَج مطلق، انتظار فَرَج نسبی هم داریم و آن فَرَج متعلق به همه جهان است و عالم در انتظار آن می باشد، فرجی که در آن حق مظلومی بر روی زمین نمی ماند. امر فَرَج نسبی، اجتماعی است و آن هم یک مرتبه از انتظار فَرَج است. خدای متعال برای جامعه اسلامی است، برای جامعه شیعی است، برای یک کشور اسلامی است، برای یک کشور شیعی است. این یک ربع قرن، یک فَرَج نسبی را برای جامعه ما رساند بعد از انتظاری که لااقل در دوران بیش از ۱۵ الی ۱۶ سال، مردم ما به طور جدی برای فَرَج کشیدند.

یعنی آن وقتی که نهضت روحانیت به دست مبارک حضرت امام خمینی رحمه الله شروع شد و با فریادی که ایشان زد و پیامی که به مردم داد، دل ها بیدار شد؛ قلب ها متوجه شد و یک روح امیدی در جامعه پیدا شد. مردم فهمیدند که می شود احکام اسلام را اجرا کرد، می شود با کفر مبارزه کرد، می شود دست اجانب را از مملکت کوتاه کرد. قبل از آن، کسی توجه به این نداشت، باور نمی کرد، می گفتند همه چیز از دست رفته، جز با ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا فداه هیچ چیز درست نمی شود و هرچه تلاش

کنیم بر باد خواهد رفت، آن وقت یک مرجع تقلیدی آمد، آن هم با آن ویژگی هایی که در امام بود، آن صفا، آن ایمان، آن فداکاری و از خودگذشتگی، آن پاکی زندگی، آن شجاعت و سایر صفاتی که مجموع آن ها کمتر در یک انسان یافت می شود. وقتی مردم در چنین شخصی با این ویژگی ها که از تبار پیغمبرصلی الله علیه وآله هم بود، چنین امیدی را دریافت کردند، انتظار در آن ها شکوفا شد.

حرکاتی که در دوران نهضت در کشور ما و در سایر کشورهای اسلامی صورت گرفت، نمودهایی از انتظار فَرَج نسبی بود و چون این انتظار و این نمودها صادق بود، خدا هم از آسمان پاسخ مثبت داد. برای تأیید عرض خودم اشاره می کنم به یک فرمایش انتظار و آن این که نمودها صادقانه بود؛ هنوز صد سال از رحلت پیغمبرصلی الله علیه وآله نگذشته بود، سخنان پیغمبر در گوش مردم طنین انداز بود و سینه به سینه نقل می شد. حال ببینند در آن زمان امیرالمؤمنین علیه السلام با چه لحنی سخن می گوید، «کنّا علی عهد رسول صلی الله علیه وآله»؛ علی علیه السلام می فرماید: ما در زمان پیغمبر این طوری بودیم که برای حمایت از پیغمبر، برای احقاق حق، برای به کرسی نشاندن دین الهی و حاکم کردن احکام خداوند و برای این که اسلام پیاده شود، با پدران خود، با عموهایمان، با برادرانمان، با نزدیکانمان می جنگیدیم و برای ما مطرح نبود که چه کسی طرف ما هست؛ پدر است، برادر است، عموزاده است و یا دایی زاده است. می گفتیم مسلمان است یا دشمن اسلام؟ اگر دشمن اسلام بود و به روی مسلمان ها شمشیر کشیده بود با او می جنگیدیم

و دیگر فکر نمی کردیم این فامیـل ماست، همسایه هستیم، چشم هایمان به چشم هم می افتـد، این حرف ها نیست، این بود که این ها تابع گردیدند.

علی علیه السـلام می فرمایـد: آن زمـان ها ما این طوری بودیم که در جنگ ها با نزدیک ترین خویشاونـدانمان می جنگیـدیم، وقتی خـدا صـداقت مـا را دیـد اسـلام را پیروز کرد. علی علیه السـلام رمز این که پیغمبرصـلی الله علیه وآله موفق شـد در زمان حیات خودش جامعه اسـلامی تشـکیل بدهـد را چنین می فرماید: مدت ۱۳ سال پیغمبرصـلی الله علیه وآله آواره بود، در حصـر بود و مسـلمان ها زیر شـکنجه بودند. چه شد که خدا بر مسـلمان ها منّت گذاشت و آن ها را بر دشمانشان پیروز کرد و جامعه اسـلامی و حکومت اسـلامی تشـکیل شد؟ سرّ آن این بود که خداوند صدق ما را دید و دید که پای آن ایستاده ایم. ما که می گوییم دوستان خدا را دوست داریم و دشمنان خدا را دشمن می داریم، شوخی نداریم، استثنا هم نداریم.

اگر جامعه ای بخواهد جدی، صاف و یکرنگ، مسـتقیم، با صـلابت و تردیدناپذیر، دوست دوستان خدا و دشمن دشمنان خدا باشد، موفق است و اگر این شرایط بود خداوند همان خداست، همان خداوندی که مسلمان ها را در جنگ بدر پیروز کرد؛ آن هم مسلمانان گرسنه، بدون سلاح، پیاده و فقیر در مقابل سران و قهرمانان قریش، با آن ثروت و تجهیزات جنگی شان.

قرآن می گوید: آن وقتی که ذلیل بودید در بدر و خداوند شـما را عزت بخشید» چرا؟ «وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»(۴۳) چـون همـان چنـد نفری که بودنـد راست می گفتنـد، شـوخی، تعـارفی و ظاهرسـازی نبود، آن قـدر خداوند از دو رویی، از تظاهر بدش می آید که در سوره اشاره

می فرماید: «خدا دشمن می دارد و غضب می کند کسانی را که می گویند آنچه عمل نمی کنند». خداوند ناراحت می شود از این که مسلمان ادعای طرفداری از اسلام کند امّا دلش در گرو آمریکا باشد. قسم بخورد که من اسلام را حفظ کنم و زمینه اخلاق و معارف اسلامی را فراهم نمایم امّا بگوید حکومت دینی امکان وجود ندارد، می گویند این زمان دیگر حکومت دینی را برنمی تابد، اگر مسلمان هستید، درست بگویید مسلمانیم، اگر کافر هم هستید، درست بگویید کافریم. چرا دو رویی، چرا فریبکاری، چرا ادعای بی عمل؟!

امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید: سرّ این که ما با عده کم و با همه فقرمان، بر کفّار با همه قدرتشان پیروز شدیم این بود که راست می گفتیم .نمونه اش، بعد از این که امام خمینی (رحمه الله) نهضت روحانیت را شروع کرد و گروه هایی از این مردم صادقانه با او بیعت کردند و با خون خودشان و از هر چه داشتند در پیروزی این راه مضایقه نمی کردند، مادران شهید می گفتند: ای کاش! یک فرزند دیگر هم داشتیم و در راه خدا می دادیم. جوانانی که هنوز به سن بلوغ نرسیده بودند برای رفتن به جبهه مسابقه می گذاشتند، مردمی که خودشان به نان و لوازم زندگی محتاج بودند با اهدای آن ها به جبهه ها ایثار کردند. چون راست می گفتند خداوند چنین نعمت عظیمی را به ایشان داد.

ما درست درک نمی کنیم که پیروزی این انقلاب چه نعمت عظیمی است، باید آن را در زمره معجزات شمرد. خدا چرا این نعمت را به ما داد، به خاطر این که عده ای راست گفتند، امّا متأسفانه بعد از پیروزی بعد از برقراری این نظام، بعد از به عزت رسیدن ذلیل ها، کسانی خدا

را فراموش کردنـد و گفتند چاره ای نداریم جز این که با آمریکا بسازیم زیرا قدرت های آمریکایی اطراف ما را احاطه کردند و باید تسلیم شویم. پس خدا چه کاره است؟ چه کسی در جنگ بدر مسلمانان را پیروز کرد؟

والسلام علیکم و رحمه اللّه و برکاته

پیام رئیس جمهور محترم، آقای دکتر احمدی نژاد

به مناسبت نیمه شعبان ۱۴۲۶(ه.ق) مصادف با ۱۳۸۴(ه.ش)

بسم اللّه الرحمن الرحیم اَللّٰهُمَّ کُنْ لِوَلِیِّکَ الحُجَّهِ بْنِ الحَسَنِ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَعَلی آبآئِهِ فِی هـذِهِ السّاعَهِ وَفِی کُلِّ ساعَهٍ وَلیّاً وَحافِظاً وَقآئِداً وَناصِراً وَدَلِیلاً وَعَیْناً حَتّی تُسْکِنَهُ أَرْضَکَ طَوْعاً وَتُمَتِّعَهُ فِیها طَوِیلاً.

اللّهم عجّل لولیک الفرج و العافیه و النصر واجعلنا من اعوانه و انصاره و المستشهدین بین یدیه، اللّهم اید حماه الدین؛

پانزدهم شعبان، زاد روز زیباترین سرود هستی، آخرین ذخیره عالم وجود و واسطه غیب و شهود، امام مهدی صاحب الزمان علیه السلام را به منتظران قدوم حضرتش تبریک و شادباش می گویم.

خداونـد بزرگ را سپاس می گویم که محل تولّد و مهد پرورش ما را در جغرافیای عشق و محبّت اهل بیت رسول اکرم علیهم السلام قرار داد و حیات ما را با آیین حرکت آفرین انتظار در عصر غیبت پیوند زد.

مکتب انتظار، قرن هاست که محرّک جان های خفته و الهام بخش دل های شیفته حقیقت در رویارویی با رنج های روزان و شبان در عصر بیداد و ستم بوده است و چه بسیار قیام و خیزش عدالت خواهانه را در تاریخ بشریت دامن زده است که آخرین نمونه آن، انقلاب عظیم ملت ایران در بهمن ۵۷ بود؛ انقلابی که به نام خدا آغاز شد و تکاپو و تلاش در راه نیل به آستانه حکومت و جامعه عدل گستر مهدوی را سر لوحه اقدامات و برنامه ریزی های خود قرار

داد.

با گذشت ۲۷ سال از پیروزی انقلاب اسلامی رویکرد نوین ملت ایران در احیای ارزش های برآمده از متن آن روزهای به یادماندنی، فرصتی تاریخی را فرا روی ایران و جهان قرار داده است. فرصت، از آن رو که ایرانیان و جهانیان با پشت سر نهادن تجربه های گوناگون در مسیر اداره زندگی خویش، راه تازه ای را پیش روی خود، گشوده می بینند؛ راهی که بر اساس فرهنگ انتظار شکل گرفته و برنامه نوینی را برای زیستن پاک و بی دغدغه انسان، تدارک دیده است.

ما امروز بیش از هر زمان دیگر، نیازمند شناخت ابعاد عمیق و گسترده مقوله زیبای انتظاریم. این که اساساً انتظار چیست و تکلیف انسان منتظر در عصر غیبت کدام است؟

دولت منتخب شما با افتخار اعلام می کند که از راه برنامه ریزی در مسیر مکتب انتظار، بر آن است تا ایران اسلامی را به «کشور تراز امام عصرعلیه السلام»مبدل کند؛ آن گونه که مردم رشحه ای از رشحات حکومت عدل مهدوی را در سایه سار ولایت و زعامت فرزند رسول اللّٰه صلی الله علیه وآله و نایب امام زمان علیه السلام تجربه کنند و این مهمّ میسر نمی شود جز از آن طریق که نظام برنامه ریزی کشور، مبتنی بر قواعد عصر انتظار، تدوین، تنظیم و اجرا شود.

در پایان، خداوند بزرگ و مقتدر را شاکرم که به این بنده کوچک خود، فرصت داد تا پیام دعوت به عصر انتظار و تمنّای فَرَج را از تریبون فراگیرترین کانون سیاسی جهان به انسان سرگشته امروز ابلاغ کنم.

به امید روزی که همراه با میلیون ها دل عاشق و منتظر ظهور، در میقات جمکران به قصد زیارت آن کعبه جان ها، احرام عشق و بیعت

ببندیم و به پیشواز مردی برویم که با دستانی سرشار از برکت و دلی مشحون از مهر و اندیشه ای آکنده از داد، خواهد آمد. ان شاءاللَّه

والسلام علیکم و رحمهاللَّه.

خدمتگزار ملت ایران محمود احمدی نژاد

فهرست منشورات مسجد مقدّس جمکران

۱ قرآن کریـم / چهـار رنـگ - گلاسه رحلی خـط نیریزی / الهی قمشه ای ۲ قرآن کریـم / (وزیری، جیـبی، نیم جیـبی - خط نیریزی / الهی قمشـه ای ۳ قرآن کریم / نیم جیبی (کیفی) خـط عثمـان طه / الهی قمشه ای ۴ قرآن کریم /وزیری (ترجمه زیر، ترجمه مقابل) خط عثمان طه / الهی قمشه ای ۵ قرآن کریم / وزیری (بدون ترجمه) خط عثمان طه ۶ صحیفه سجادیه ویرایش حسـین وزیری/الهی قمشـه ای ۷ کلیـات مفاتیـح الجنـان / عربی انتشـارات مسـجد مقـدّس جمکران ۸ کلیـات مفاتیـح الجنان / (وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای ۹ منتخب مفاتیح الجنان / (جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای ۱۰ منتخب مفاتیـح الجنـان / جیبی، نیم جیبی) خط خاتمی / الهی قمشه ای ۱۱ ارتباط با خـدا واحد تحقیقات ۱۲ آشنایی با چهارده معصوم (۱و۲)/شـعر و رنگ آمیزی سیّد حمید رضا موسوی ۱۳ آئینه اسرار حسین کریمی قمی ۱۴ آخرین پناه محمود ترحمی ۱۵ آخرین خورشـید پیدا واحد تحقیقات ۱۶ آقا شـیخ مرتضی زاهد محمد حسن سیف اللهی ۱۷ آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم) واحد پژوهش ۱۸ از زلال ولایت واحد تحقیقات ۱۹ اسـلام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۲۰ امـامت، غیبت، ظهور واحـد پژوهش ۲۱ امـامت و غیبت از دیـدگاه علم کلاـم علم الهـدی / واحـد تحقیقات ۲۲ امام رضاعلیه السلام در رزمگاه ادیان سهراب علوی ۲۳ امام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۲۴

انتظار بهار و باران واحد تحقیقات ۲۵ انتظار و انسان معاصر عزیز اللّه حیدری ۲۶ اهّمیت اذان و اقامه محمد محمدی اشتهاردی ۲۷ بـا اولین امام در آخرین پیام حسـین ایرانی ۲۸ بامداد بشـریت محمد جواد مروّجی طبسی ۲۹ بهتر از بهار / کودک شمسـی (فاطمه) وفائی ۳۰ پرچمدار نینوا محمد محمدی اشـتهاردی ۳۱ پرچم هـدایت محمد رضا اکبری ۳۲ تاریـخ امیر المؤمنین علیه السـلام / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری ۳۳ تاریخ پیامبر اسـلام صلی الله علیه وآله / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری ۳۴ تاریخچه مسـجد مقـدس جمکران / (فارسـی، عربی، اردو، انگلیسـی) واحـد تحقیقات ۳۵ تاریخ سـید الشـهداءعلیه السلام شیخ عباس صفایی حائری ۳۶ تجلیگاه صاحب الزمان علیه السـلام سید جعفر میرعظیمی ۳۷ جلوه های پنهانی امام عصرعلیه السلام حسین علی پور

۳۸ چهارده گفتار ارتباط معنوی با حضـرت مهدی علیه السلام حسین گنجی ۳۹ چهل حدیث /امام مهدی علیه السلام در کلام امام علی علیه السلام سید صادق سیدنژاد

۴۰ حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت محمد محمدی اشتهاردی ۴۱ حکمت های جاوید محمد حسین فهیم نیا

۴۲ ختم سوره هـای یس و واقعه واحـد پژوهش ۴۳ خزائن الاشـعار (مجموعه اشعار) عباس حسینی جوهری ۴۴ خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب) رضا استادی ۴۵ خوشه های طلایی (مجموعه اشعار) محمد علی مجاهدی (پروانه)

۴۶ دار السلام شیخ محمود عراقی میثمی ۴۷ داستان هایی از امام زمان علیه السلام حسن ارشاد

۴۸ داغ شقایق (مجموعه اشعار) علی مهدوی ۴۹ در جستجوی نور صافی، سبحانی، کورانی ۵۰ در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم) شیخ عباس قمی / کمره ای ۵۱ دلشده در حسـرت دیدار دوست زهرا قزلقاشی ۵۲ دین و آزادی محمّد حسین فهیم نیا

۵۳ رجعت احمد علی طاهری ورسی ۵۴ رسول

ترک محمد حسن سیف اللهی ۵۵ روزنه هایی از عالم غیب سید محسن خرّازی ۵۶ زیارت ناحیه مقدّسه واحد تحقیقات ۵۷ سحاب رحمت عباس اسماعیلی یزدی ۵۸ سرود سرخ انار الهه بهشتی ۵۹ سقّا خود تشنه دیدار طهورا حیدری ۶۰ سلفی گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۶۱ سیاحت غرب آقا نجفی قوچانی ۶۲ سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی دکتر عبد اللهی ۶۳ سیمای مهدی موعودعلیه السلام در آئینه شعر فارسی محمد علی مجاهدی (پروانه)

۶۴ شرح زیارت جامعه کبیره (ترجمه الشموس الطالعه) محمّد حسین نائیجی ۶۵ شمس وراء السحاب/ عربی السیّد جمال محمّد صالح ۶۶ ظهور حضرت مهدی علیه السلام سید اسد اللّه هاشمی شهیدی ۶۷ عاشورا تجلّی دوستی و دشمنی سید خلیل حسینی ۶۸ عریضه نویسی سید صادق سیدنژاد

۶۹ عطر سیب حامد حجّتی ۷۰ عقد الدرر فی أخبار المنتظرعلیه السلام / عربی المقدس الشافعی ۷۱ علی علیه السلام مروارید ولایت واحد تحقیقات ۷۲ علی علیه السلام و پایان تاریخ سید مجید فلسفیان ۷۳ غدیرشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۷۴ غدیرخم (روسی، آذری لاتین) علی اصغر رضوانی ۷۵ فتنه وهابیت علی اصغر رضوانی ۷۶ فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام سید محمد واحدی ۷۷ فروغ تابان ولایت علی اصغر رضوانی ۷۸ فرهنگ اخلاق عباس اسماعیلی یزدی ۷۹ فرهنگ تربیت عباس اسماعیلی یزدی ۸۰ فرهنگ درمان طبیعی بیماری ها(پخش) حسن صدری ۸۱ فوز اکبر محمد باقر فقیه ایمانی ۸۲ کرامات المهدی علیه السلام واحد تحقیقات ۸۳ کرامت های حضرت مهدی علیه السلام واحد تحقیقات ۸۴ کمال الدین وتمام النعمه (دو جلد) شیخ صدوق رحمه الله / منصور پهلوان ۸۵ کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار) حسن بیاتانی ۸۶ گردی از رهگذر دوست

۸۷ گفتمان مهدویت آیت اللّه صافی گلپایگانی ۸۸ گنجینه نور و برکت، ختم صلوات مرحوم حسینی اردکانی ۸۹ مشکاه الانوار علّامه مجلسی رحمه الله ۹۰ مفرد مذکر غائب علی مؤذنی ۹۱ مکیال المکارم (دو جلد) موسوی اصفهانی/ حائری قزوینی ۹۲ منازل الآخره، زندگی پس از مرگ شیخ عباس قمی رحمه الله ۹۳ منجی موعود از منظر نهج البلاغه حسین ایرانی ۹۴ منشور نینوا مجید حیدری فر

۹۵ موعودشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۹۶ مهدی علیه السلام تجسّم امید و نجات عزیز اللّه حیدری ۹۷ مهدی منتظرعلیه السلام در اندیشه اسلامی العمیدی / محبوب القلوب ۹۸ مهدی موعودعلیه السلام، ترجمه جلد ۱۳ بحار – دو جلد علّامه مجلسی رحمه الله / ارومیه ای ۹۹ مهر بیکران محمد حسن شاه آبادی ۱۰۰ مهربان تر از مادر / نوجوان حسن محمودی ۱۰۱ میثاق منتظران (شرح زیارت آل یس) سید مهدی حائری قزوینی ۱۰۲ ناپیدا ولی با ما / (فارسی ،ترکی استانبولی، انگلیسی، بنگالا) واحد تحقیقات ۱۰۳ نجم الثاقب میرزا حسین نوری رحمه الله ۱۰۴ نجم الثاقب(دوجلدی) میرزا حسین نوری رحمه الله ۱۰۵ نشانه های ظهور او محمد خادمی شیرازی ۱۰۶ نشانه های یار و چکامه انتظار مهدی علیزاده ۱۰۷ ندای ولایت بنیاد غدیر

۱۰۸ نماز شب واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران ۱۰۹ نهج البلاغه/(وزیری، جیبی) سید رضی رحمه الله / محمد دشتی ۱۱۰ نهج الکرامه گفته ها و نوشته های امام حسین علیه السلام محمّد رضا اکبری ۱۱۱ و آن که دیرتر آمد الهه بهشتی ۱۱۲ واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۱۱۳ وظایف منتظران واحد تحقیقات ۱۱۴ ویژگی های حضرت زینب علیها السلام سید نور الدین جزائری ۱۱۵ هدیه احمدیه / (جیبی، نیم جیبی) میرزا احمد آشتیانی رحمه

الله ۱۱۶ همراه با مهـدی منتظر مهدی فتلاوی/بیژن کرمی ۱۱۷ یاد مهدی علیه السـلام محمد خادمی شیرازی ۱۱۸ یار غائب از نظر (مجموعه اشعار) محمد حجّتی ۱۱۹ ینابیع الحکمه / عربی - پنج جلد عباس اسماعیلی یزدی جهت تهیه و خرید کتاب های فوق، می توانید با نشانی:

قم صـندوق پستی ۶۱۷ ، انتشـارات مسـجد مقـدس جمکران مکاتبه و یا با شـماره های ۷۲۵۳۷۰۰ ، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۰۲۵۱ تماس حاصل فرمایید.

پی نوشت ها

۱) سوره نور، آیه ۵۵

۲) ملک/۳۰

۳) سوره بقره / آیه ۲۵.

۴) زمزم / ۶۹.

۵) حدید / ۱۷.

۶) توبه / ۳۲.

۷) سوره توبه، آیه ۱۰۵

۸) سوره انعام / آیه ۱۱۵.

۹) قصص: ۵.

۱۰) حدید / ۲۵.

۱۱) کهف / ۲۹.

۱۲) سوره انسان / آیه ۳.

۱۳) سوره بلد / آیه ۱۰.

۱۴) سوره توبه / آیه ۳۳.

۱۵) سوره توبه / آیه ۳۲.

۱۶) سوره نساء / آیه ۷۹.

۱۷) سوره مؤمنون / آیه ۱۰۶.

۱۸) سوره نساء / آیه ۷۵.

۱۹) حدید / ۲۵.

۲۰) سوره فتح / آیه ۴.

۲۱) سوره مدثر / آیه ۳۱.

۲۲) سوره یس / آیه ۸۲.

۲۳) سوره انفال / آیه ۱۷.

۲۴) سوره توبه / آیه ۳۳.

۲۵) توبه / ۳۲.

۲۶) سوره بقره / آیه ۳۰.

۲۷) سوره انبیا / آیه ۱۰۵.

۲۸) سوره کهف / آیه ۶۶.

۲۹) سوره کهف / آیه ۷۱.

۳۰) سوره کهف / آیه ۷۹.

۳۱) همان.

۳۲) سوره انبیا / آیه ۱۰۵.

۳۳) سوره انبیا / آیه ۱۰۵.

۳۴) سوره فصلت / آیه ۳۰.

۳۵) انبیاء ۱۰۵

۳۶) سوره بقره / آیه ۲۵.

۳۷) سوره انبیا / آیه ۱۰۵.

۳۸) سوره آل عمران / آیه ۲۰۰.

۳۹) توبه ۱۰۸

۴۰) سوره انفال / آیه ۲۴.

۴۱) سوره مائده / آیه ۳.

۴۲) سوره غافر / آیه ۶۰.

۴۳) سوره آل عمران / آیه ۱۲۳.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹